



عَلَّمَ الْكِتَابَ

سرشناسه: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸

عنوان و نام پدیدآور: مبارزه غریبانه

مشخصات نشر: تهران، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، بسیج دانشجویی ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ صفحه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۲۷-۷۱-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر

شناسه افزوده: عابدین، نرگس، گردآورنده

شناسه افزوده: شریفی، اعظم، گردآورنده

شناسه افزوده: دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، بسیج دانشجویی

شماره کتاب شناسی ملی: ۳۷۷۴۲۷۰



گزیده سخنان رهبر معظم انقلاب
در تبیین مفهوم جهاد و انواع آن

گردآوری و تنظیم: نرگس عابدین، اعظم شریفی
طراح جلد و صفحه آرایی: محمد جاسم هاشم خانلو

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

به کوشش هسته توانمندسازی حرکت‌های جهادی
با همکاری معاونت جهاد سازندگی سازمان بسیج دانشجویی

۱

تحریر قتلین



۲۹

جہلا فرہنگی



۹۵

جہلا اقصا کا



۱۳۵

جہلا علم



«جهاد» یکی از فروع مهم و ضروری دین اسلام محسوب و در بین آیات و احادیث تأکیدات فراوانی بر این مهم اسلامی و جنبه‌های مختلف عزت مدارانه‌ی آن شده است. به گونه‌ای که امام علی (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ»، آن چنان که ائمه‌ی اطهار (سلام الله علیهم اجمعین) به تعبیر مقام معظم رهبری همچون انسانی ۲۵۰ ساله در حرکت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و غیره خود در پی عمل به این مفهوم حرکت کردند. با این وجود با بررسی شرایط فعلی جامعه‌ی اسلامی ملاحظه می‌شود که توجه به این دستور مهم اسلامی آن گونه که بایسته و شایسته است انجام نمی‌گیرد. این بیان بدان معنا نیست که جامعه با این مفهوم کاملاً غریبه و ناآشناست، بلکه از آن جهت است که گرایش نسل جوان و نوجوان در جامعه‌ی فعلی به این موضوع بیشتر گرایش شورانگیزانه بوده و کمتر به تبیین مفاهیم آن از دیدگاه آیات، احادیث، روایات و حتی علمای دین پرداخته شده است.

بنابراین با توجه به ضرورت‌های محسوس در جامعه‌ی اسلامی و خلأهای موجود در این زمینه، در این پژوهش سعی بر آن بوده تا مفاهیم جهاد و وجوه مختلف آن از دیدگاه مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدّ ظله العالی) تبیین شده و انواع آن از نظر ایشان به عنوان فقیه جامع الشرایط مورد بررسی قرار گیرد.

ضرورت دانسته شد که در این پیشگفتار روش پژوهش و گزینش سخنان معظم له به اختصار بیان شود و مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

با توجه به این که رهنمودها و سخنان مقام معظم رهبری در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی، اعتقادی و ... با رویکردهای متفاوتی همراه است در این پژوهش سعی بر آن بوده که رویکرد جهادی مد نظر قرار گیرد. به این صورت که به طور مثال از میان همه‌ی سخنان‌شان در حوزه‌ی فرهنگ که حجم وسیعی از دغدغه‌های ایشان را در برمی‌گیرد و رهنمودهای فراوانی در این زمینه بیان داشته‌اند، آن بخشی از سخنان گزینش شده که با رویکرد جهاد فرهنگی بوده، و هشدارهای لازم درباره‌ی روش‌های تهاجم

و حمله‌ی فرهنگی دشمن را تبیین فرموده، راهکارهای دفاعی و حتی تهاجمی را ارایه می‌نمایند و به همین شکل این روش گزینش درباره‌ی حوزه‌های دیگر نیز رعایت شده‌است.

به این ترتیب می‌توان گفت که در این کتاب تمامی سخنان ایشان در حوزه تبیین مفهوم جهاد و انواع آن گردآوری شده است و منظور از گزینش آن نیست که بخشی از مطالب مرتبط با جهاد ارائه شده، بلکه تنها بیاناتی با موضوع تبیین مفهوم جهاد و انواع آن از نظر معظم له پیش روی خواننده این کتاب قرار گرفته است.

نکته‌ی دیگری که بایسته است در مورد روش پژوهش بیان شود ترتیب قرار گرفتن مطالب است. نحوه‌ی چینش مطالب به جز فصل اول که اختصاص به تعریف و تبیین مفاهیم جهاد داشته‌است، در فصل‌های بعدی به ترتیب زمانی می‌باشد؛ تا بر اساس فاصله‌های زمانی موجود در بین سخنرانی‌ها، تعدد و تکرار بعضی از مباحث از سوی مقام معظم رهبری در هر برهه‌ی زمانی بر مخاطب پوشیده نمانده و بر اساس تکرارها بر اهمیت موضوع در هر شرایط زمانی واقف شود.

آنچه مسلم است مطالب حاضر بر اساس حد و حدود دسترسی پژوهشگران به منابع بوده و این‌شاءالله در اولین فرصتی که امکان دسترسی به منابع بیشتری فراهم گردد این پژوهش به صورتی تکمیل‌تر و آن‌گونه که شایسته است در اختیار خوانندگان محترم قرار خواهد گرفت.

با احترام

ن. عابدین

اسفندماه ۱۳۹۲ شمسی

هسته توانمندسازی حرکت‌های جهادی

تحریر و قتل



• هرکاری، جهادی نیست

جهادی عمل کردن، مفهوم خاصی دارد. هر جور کاری، جهادی نیست. جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛ جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه‌ی در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما.

بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان ۱۳۸۶/۴/۲۵



• جهاد در اسلام به معنای نجات مستضعفین

جهاد اسلام در واقع کمک به ملت‌هایی است که پشت پرده‌ی سیاست‌های استعماری و استکباری و استبدادی قرار داده شده‌اند که نور اسلام به این‌ها نرسد؛ نور هدایت به این‌ها نرسد. جهاد برای دریدن این پرده‌ها و این حجاب‌ها است؛ جهاد اسلامی این است. بحث اینکه آیا جهاد، دفاعی است یا ابتدائی است یا مانند این‌ها، بحث‌های فرعی است؛ بحث اصلی این است: **مَالَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ**؛ چرا جهاد نمی‌کنید، مقاتله نمی‌کنید، نبرد نمی‌کنید در راه خدا -و بلافاصله [می‌گوید]- و در راه مستضعفین، برای نجات مستضعفین؟ این احساس مسئولیت است؛ یعنی شما برو جان خودت را به خطر بینداز و جانیت را کف دست بگیر در میدان‌های خطر، برای اینکه مستضعفان را نجات بدهی؛ معنای این، همان مسئولیت است دیگر. یا این حدیث معروف **«مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»**؛ و از این قبیل، فراوان آیات و روایاتی در متون اسلامی است که این جزو بیّنات اسلام است؛ یعنی اسلام انسان را این‌جور خواسته است که مسئول باشد؛ هم نسبت به خود، هم نسبت به نزدیکان خود، هم نسبت به جامعه‌ی خود، هم نسبت به بشریت مسئول است. که حالا اگر بروید دنبال این فکر را در متون اسلامی بگیرید، چیزهای عجیب و غریبی انسان مشاهده می‌کند از این اهتمام و از این احساس مسئولیت.

بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۰۶



• مجاهدت با همه‌ی توان

یک کار دیگر ائمه (علیهم السلام) مجاهدت فی سبیل الله بود که شما در زیارت ائمه می خوانید: **أَشْهَدُ أَنْكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ**؛ حق جهاد؛ یعنی هیچ کم نگذاشته‌اند در مجاهدت در راه خدا؛ با همه‌ی وجود، با همه‌ی توان، با همه‌ی ظرفیت در راه خدا مجاهدت کردند.

بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های

اسلامی ۱۳۹۴/۵/۲۶



• تلاش در مقابل یک مانع

جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی، جنگ و ستیزه گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گوییم من دارم مبارزه می‌کنم؛ مبارزه‌ی علمی می‌کنم، مبارزه‌ی اجتماعی می‌کنم، مبارزه‌ی سیاسی می‌کنم، مبارزه‌ی مسلحانه می‌کنم؛ همه‌ی اینها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پُر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده‌ی آسفالته، انسان پایش را روی گاز بگذارد و با باک پُر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه نمی‌گویند. مبارزه آن جایی است که انسان با مانعی برخورد کند، که این مانع در جبهه‌های انسانی، می‌شود دشمن؛ و در جبهه‌های طبیعی، می‌شود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آن‌ها را از میان بردارد، این می‌شود مبارزه. جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۳/۰۸/۲۰



• جهاد، تلاشی در برابر دشمن

ببینید، جهاد یک معنای خاصی دارد. معنای جهاد فقط تلاش نیست. در مفهوم اسلامی، جهاد عبارت است از آن تلاشی که در مقابل یک دشمن است، در مقابل یک خصم است. هر تلاشی جهاد نیست. مجاهدت با نفس، مجاهدت در مقابل شیطان، جهاد در میدان نظامی، مواجهه با یک دشمن است؛ مواجهه با یک معارض است.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱۴



• جنگ در مقابل معارضان آرامش، عدالت و سعادت

آنچه که در اسلام به عنوان هدف دشمنی معرفی شده است، دقیقاً عبارت است از آن نقاطی که با این خطوط اصلی زندگی بشر در معارضه هستند. کسانی که با عدالت مخالفند، کسانی که با صلح و امنیت و آرامش مخالفند، کسانی که با صفا و روح مصفا و متعالی انسانی مخالفند، اینها نقطه‌ی مقابل دعوت پیغمبرند. آن کسانی مقابل دعوتند که با آسایش مردم، با آرامش مردم، با آسایش جامعه، با تعالی جامعه مخالفت و معارضه می‌کنند و دشمن منافع انسان‌ها هستند؛ این همان نقطه‌ای است که اسلام آن را هدف قرار می‌دهد. لذا در اسلام مبارزه هست، جهاد هست؛ منتها این جهاد، جنگ در مقابل معارضان با آرامش زندگی بشر، معارضان با عدالت، معارضان با سعادت بشر است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید میعت ۱۳۸۹/۴/۱۹



• مجاهدت، خطر دارد

مجاهدت، میدان‌های فراوانی دارد؛ البته همه‌ی میدان‌های مجاهدت هم خطر دارد. شهدای هسته‌ای را ببینید! در میدان علم کار کردند اما مورد تعرض دشمن قرار گرفتند؛ [این] جهاد است. **فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا**؛ خب، [اینکه] خدای متعال برای مجاهدین فضیلت قائل شده است، برای مجاهدت رتبه قائل شده‌است، برای همین است. ما مگر چقدر در این دنیا عمر می‌کنیم؟ میلیاردها سال قبل و بعد ما این دنیا عمر دارد، از این میلیاردها [سال]، پنجاه سال، شصت سال، هفتاد سالش نصیب من و شما است؛ در این مدت باید از فرصت استفاده کنیم، خودمان را برای زندگی واقعی‌ای که **«إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ لِّمَنِ الْحَيَوان»** است، آماده کنیم. در این فاصله، بعضی‌ها مجاهدت می‌کنند و این مجاهدت، آن‌ها را به مقامات عالی می‌رساند؛ نه فقط آخرت خودشان را درست می‌کنند، دنیای دیگران را هم می‌سازند و تقویت می‌کنند و به وجود می‌آورند. آن وقت این مال مجاهدت است؛ مال شهدا: **وَلَا تُحَسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا**، اینها مرده نیستند، **بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمُ الْآخَوْفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ**. قضیه این جوری است؛ این کلام خدا است، مؤده‌ی خدا است که می‌گوید اینها زنده‌اند، پیش خدایند، مورد لطف الهی‌اند، مورد رزق الهی‌اند، خرسندند، خوشحالتند؛ به من و شما هم پیغام می‌دهند و می‌گویند که بدانید اگر از این راه بیایید، در این سرمنزل نه غم هست، نه نگرانی؛ نه ترس هست، و نه حزن؛ **الْآخَوْفُ عَلَيْهِم**؛ راه این است. راه را درست رفتند، صحیح رفتند، درست حرکت کردند.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۱۳۹۵/۰۴/۰۵



• جهاد کبیر

[امروز] جنگ نظامی مطرح نیست؛ امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: **وَجِهْدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا**؛ در سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان است؛ «بِه» یعنی به قرآن، «جِهْدْهُمْ بِهِ» یعنی به وسیله‌ی قرآن با آنها جهاد کن؛ **جِهَادًا كَبِيرًا**. این آیه در مکه نازل شده. در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمان‌ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه‌ی شریفه می‌گوید: **وَجِهْدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا**. آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است]. **الْكُفْرِينَ وَجِهْدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا**؛ از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم‌بندی غیر از تقسیم‌بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است: جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ می‌کند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه‌ی با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر».

• روشنگری: قدم اول جهاد کبیر

جهاد کبیر به میزان زیادی متوقف به تبیین است؛ تبیین، بیان کردن، روشنگری؛ امروز روشنگری لازم است. سعی کنید ذهن‌ها را با عمق‌یابی، به اعماق حقایق و مسائل برسانید. این دانشگاه شما می‌تواند کارهای بزرگی را در این زمینه انجام بدهد و می‌تواند تبیین را یکی از برنامه‌های اساسی خودش قرار بدهد؛ هم در بین مجموعه‌ی خودی، هم در قلمرو وسیع‌تری، تا آنجایی که امکاناتش اجازه بدهد.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۵/۰۳/۰۳



• مبارزه برای روشنگری

آنچه وظیفه‌ی همه‌ی ملت اسلام و همه‌ی امت اسلام است، مبارزه برای روشنگری است؛ این در درجه‌ی اوّل. هم علما مسئولند، هم روشنفکران مسئولند، هم تحصیل کرده‌ها مسئولند، هم همه‌ی کسانی که منبری دارند، تربیونی دارند مسئولند که روشنگری کنند و حقایق دنیای اسلام را برای مردمی که نمی‌دانند بیان کنند؛ این روشنگری، جهاد است. جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست؛ جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی، و جهاد مالی است. امروز به‌خاطر اینکه این فریضه را -فریضه‌ی تبیین را- ما درست انجام ندادیم، یک عده‌ای دچار گمراهی‌اند و به خیال اینکه برای اسلام دارند کار می‌کنند، علیه اسلام دارند کار می‌کنند؛

بیانات در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۹۵/۰۲/۲۹



• مبارزه با استکبار مصداق مجاهدت

امروز به نظر ما مصداق مجاهدت که در مقابل ما مسلمان‌ها، ما پیروان اهل بیت قرار دارد، عبارت است از مبارزه‌ی با نقشه‌های استکبار در منطقه‌ی اسلامی؛ امروز بزرگ‌ترین مجاهدت این است. با نقشه‌های استکبار باید مبارزه کرد. این نقشه‌ها را باید اول شناخت، اول باید دست دشمن را بخوانیم، بدانیم چه کار می‌خواهد بکند؛ بعد بنشینیم برنامه‌ریزی کنیم و با اهداف دشمن مبارزه کنیم. فقط هم حالت دفاع و انفعال نیست. مبارزه اعم است از دفاع و هجوم؛ یک‌وقت لازم است انسان در مواضع دفاعی قرار بگیرد، یک‌وقت هم لازم است در مواضع هجومی قرار بگیرد؛ در هر دو حالت هدف عبارت است از مبارزه‌ی با برنامه‌های استکبار که دشمن اساسی و اصلی است در این منطقه؛ و هم در کل منطقه‌ی اسلامی، بخصوص در این منطقه‌ای که غرب آسیا است. این منطقه‌ای که اروپایی‌ها اصرار دارند اسم آن را بگذارند خاورمیانه؛ یعنی خاور را، شرق را به نسبت اروپا می‌سنجند. یک‌جا شرق دور است، یک‌جا شرق میانه است، یک‌جا شرق نزدیک است؛ این تکبر اروپایی‌ها [آرا ببینید!] از اول اینجا شده «خاورمیانه»؛ اسم خاورمیانه غلط است؛ اینجا غرب آسیا است. آسیا یک قاره‌ی بزرگی است، ما در غرب آسیا قرار داریم. این منطقه منطقه‌ی بسیار حساسی است؛ منطقه‌ای است از لحاظ راهبردی مهم، از لحاظ نظامی مهم، از لحاظ منابع زیرزمینی مهم، از لحاظ ارتباط بین سه قاره - آسیا و اروپا و آفریقا- مهم. منطقه‌ی مهمی است. روی این منطقه برنامه دارند، نقشه دارند؛ باید این نقشه‌ها را ببینیم چیست و با این مقابله کنیم؛ این شد مجاهدت. قرآن به ما می‌گوید: **جَهْدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جَهَادِهِ**؛ جهاد فی الله، امروز این است.

بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی ۱۳۹۵/۰۵/۲۶



• این یک مبارزه است

کار جهادی باید هدفمند، درست متوجه به آرمان‌ها و هوشمندانه و عاقلانه و دشمن‌شکن باشد. یعنی به همان معنایی که ما مبارزه را در اصطلاح معمولی به کار می‌بریم: «دارم مبارزه می‌کنم؛ این یک مبارزه است.» این، یک تعبیر مصطلح است. در جهاد، این معنا هست. این، تعریف بخش جهاد.

بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان ۱۳۸۶/۰۴/۲۵



• بروید سراغ کارهای نشدنی

بروید سراغ کارهای نشدنی، تا بشود. تصمیم بگیرید بر برداشتن کارهای سنگین، تا بردارید. «و لا یحشون احداً الا الله». خب، زحمت‌هایش چه؟ رنج‌هایش چه؟ محرومیت‌هایش چه؟ جوابش این است که: «وکفی بالله حسیباً»؛ خدا را فراموش نکن، خدا حسابت را دارد. در میزان الهی، رنج تو، محرومیت تو، کُفّ نفس تو، حرصی که خوردی، زحمتی که کشیدی، کاری که کردی، خون دلی که خوردی، دندانی که روی جگر گذاشتی، اینها هیچ وقت فراموش نمی‌شود؛ «وکفی بالله حسیباً».

بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰



• این رمز کار است

مواظب باشید دشمن حرکت شما را متوقف نکند. خدای متعال در دو جای قرآن به پیغمبرش می‌فرماید: «فاستقم كما امرت»، «واستقم كما امرت»؛ استقامت کن. استقامت یعنی ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن، متوقف نشدن؛ این رمز کار است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۹۰/۱۱/۱۰



• بداند در کجا ایستاده است

یک نکته این است که هر انسانی در هر منطقه و قلمروئی که مشغول خدمت است، قدر آن خدمت را درست بداند. اگر قدر این خدمت به وسیله‌ی خود آن انسان خدوم دانسته شد، این کار و این خدمت به بهترین وجهی ادامه پیدا خواهد کرد؛ اما اگر نه، آن کسی که دارد این سنگر را نگهبانی می‌کند، روی این برج ایستاده، دارد اطراف این حصار را دیده‌بانی می‌کند، در این نقطه ایستاده، دارد این کار مهم را انجام می‌دهد، ندانست اهمیت این کار چقدر است، طبیعی است که غفلت کند، چرت بزند و رها کند. پس اولین مسئله این است که ما بدانیم چه کار بزرگی را در قلمرو کار خودمان داریم انجام می‌دهیم.

بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای ۱۳۹۰/۱۲/۳



• عزت در گرو جهاد

بر حسب قوانین عادی زندگی جوامع بشری، هر جامعه‌ای عزتش، قدرتش، آبرو، حیثیتش و هویتش بستگی دارد به مجاهدت و به تلاش.

بیانات در یادمان شهدای شرق کارون ۱۳۹۳/۰۱/۰۶



• شرط اول، ایستادگی

ایستادگی شرط اول است. ملت ها در راهی که شروع می کنند، باید استقامت کنند؛ «فلذلک فادعواستقم كما امرت». در قرآن کریم، دستور استقامت به نبی مکرم اسلام در جاهای متعددی داده شده است؛ سرش همین است. باید ایستاد، باید ثبات به خرج داد، باید راه را گم نکرد، هدف را همواره در مقابل چشم داشت و به طور مستمر باید پیش رفت. اگر این شد، پیروزی ها پی در پی پیش خواهد آمد؛ همچنان که برای ملت ایران پیش آمده است.

بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ۹۰/۱۰/۱۹



• اخلاص لازم دارد این جهاد

همه هوشمندانه حرکت کنند؛ این جهاد هوشمندی لازم دارد، این جهاد اخلاص لازم دارد. این جهاد مثل جهاد نظامی نیست که کسانی در آنجا بدرخشند و چه شهیدشان، چه زنده‌شان و چه جانبازشان مثل قهرمان نشان داده بشوند - که ماها افتخار می‌کنیم به این شهدا و این جانبازان و ایثارگران - این جهاد جهادی است که ممکن است کسی خیلی هم زحمت بکشد، اما چهره‌ی او را هیچ‌کس نشناسد؛ اخلاص لازم دارد این جهاد.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۱۳۹۵/۰۳/۰۳



• اگر نیتمان خالص باشد و جهاد کنیم...

اگر ما جهاد کنیم، اگر ما حرکت کنیم، اگر ما نیتمان را خالص کنیم، خدای متعال هم به ما کمک خواهد کرد؛ اگر ما تنبلی کنیم، اگر کاری که بر عهده‌ی ما است انجام ندهیم، طبیعی است انتظار کمک الهی را هم نباید داشته باشیم. خداوند متعال به کسانی که کار می‌کنند و تلاش می‌کنند، کمک می‌کند؛ خداوند متعال به ملت‌هایی که حرکت می‌کنند و به انسان‌هایی که تلاش می‌کنند، کمک می‌کند؛ تلاش کنیم، حرکت کنیم، خدای متعال هم به ما کمک خواهد کرد.

بیانات در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۹۵/۰۲/۲۹



• ایمان، آن عامل درونی

شما برای اینکه مشکلات را حل کنید، احتیاج دارید به مجاهدت، به مبارزه و این مبارزه و مجاهدت، متوقف است بر یک نیروی درونی. آن کسی می‌تواند در میدان مبارزه بایستد که از آن نیروی درونی برخوردار باشد؛ آن‌وقتی می‌تواند درست بفهمد و تشخیص بدهد و دنبال تشخیص حرکت بکند که آن عامل درونی در او فعال باشد و قوی بشود؛ آن عامل درونی ایمان است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۵/۰۴/۱۲



• اراده غالب

در جنگ نظامی و در جنگ سیاسی و در جنگ اقتصادی، در هر جایی که صحنه‌ی زورآزمایی است، در مقابل دشمن باید ایستاد؛ باید عزم شما بر عزم دشمن پیروز بشود، باید اراده‌ی شما بر اراده‌ی دشمن غالب بشود؛ و می‌شود و این ممکن است.

بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۰۸/۲۹



• آن وقتی که مردم به میدان بیایند

این پیروزی‌ها آیت الهی است؛ اینها نشانه‌هایی از قدرت فائقه‌ی حق است که خدای متعال دارد به ما نشان می‌دهد. آن وقتی که مردم به میدان بیایند، آن وقتی که ما موجودی خودمان را وارد میدان کنیم، نصرت الهی قطعی است. خدای متعال راه را هم به ما نشان می‌دهد؛ «وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا». خدا، هم هدایت می‌کند، هم کمک می‌کند، هم به اهداف عالی می‌رساند؛ شرطش این است که ما در میدان باشیم.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۰/۱۱/۱۰



• دیگر شکست معنا ندارد

ایمان دینی، آن معجزه‌گری است که قادر است اولاً همه‌ی مردم را بسیج کند و بیاورد، ثانیاً آنها را در صحنه نگه دارد، و ثالثاً سختی‌ها را برای آنها هموار و آسان کند؛ هیچ ایمان دیگری این خصوصیت را ندارد. ایمان دینی می‌گوید شما اگر چنانچه فائق شدید و پیش بردید، پیروزید؛ اگر کشته هم شدید، پیروزید؛ اگر زندان هم افتادید، پیروزید؛ چون به وظیفه عمل کردید. وقتی کسی یک چنین اعتقاد و ایمانی داشت، دیگر شکست برایش معنا ندارد؛ لذا وارد میدان می‌شود. این همان عاملی است که در صدر اسلام هم اثر کرد، در انقلاب ما هم اثر کرد.

بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی ۱۳۹۰/۹/۲۱



• هرجا جهادی حرکت کردیم، پیش رفتیم

بعد از رحلت امام، ما هرجا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم و هرجا از انقلابی‌گری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ این یک واقعیتی است. بنده در این سالها خودم مسئول بودم؛ اگر تقصیری در این مطلب باشد، متوجه این حقیر هم هست؛ هرجا انقلابی بودیم، جهادی حرکت کردیم، بر روی آن ریل حرکت کردیم، پیش رفتیم؛ هرجا کوتاهی کردیم و غفلت کردیم، عقب ماندیم. می‌توانیم برسیم به شرط اینکه انقلابی حرکت کنیم و انقلابی پیش برویم.

بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۰۳/۱۴



• عقب نشینی ممنوع

رها کردن مواضع و عقب‌نشینی منهدمانه در مواجهه‌ی با دشمن، از جمله‌ی چیزهایی است که قرآن تأکید میکند که نباید انجام بگیرد؛ در جنگ نظامی و در جنگ سیاسی و در جنگ اقتصادی، در هر جایی که صحنه‌ی زورآزمایی است، در مقابل دشمن باید ایستاد؛ باید عزم شما بر عزم دشمن پیروز بشود، باید اراده‌ی شما بر اراده‌ی دشمن غالب بشود؛ و می‌شود و این ممکن است. در عرصه‌ی هرگونه جهاد و کارزاری، پشت کردن به دشمن و هزیمت کردن، از نظر اسلام و قرآن ممنوع است..

بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره‌ی بزرگداشت سه هزار شهید استان سمنان ۱۳۹۲/۸/۲۹



• صبر، لازمه استمرار

این صبر عظیمی که خانواده‌های شهیدان نشان دادند، خیلی ارزش دارد. اگر خانواده‌ها بی‌صبری نشان می‌دادند، بی‌معرفتی نشان می‌دادند، بی‌بصیرتی نشان می‌دادند، فضای مجاهدت سرد می‌شد؛ دل‌ها مشتاق فداکاری و ایثارگری باقی نمی‌ماند. خانواده‌ها صبر نشان دادند. سال‌های متمادی از آن دوران دفاع مقدس گذشته است، اما باب شهادت بسته نشده؛ باز هم مشاهده می‌کنیم خانواده‌هایی داغدار عزیزانی می‌شوند که به مناسبت‌های گوناگون وادی شهادت بر روی آن‌ها در باز می‌کند، آن‌ها پر می‌گشایند و می‌روند. اگر این بصیرت و این صبر در ملتی باشد، بدون تردید این ملت قله‌ها را درخواهد نوردید.

بیانات در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۱



• اهل مبارزه بیدار است

کشور امروز خوشبختانه درگیر جنگ نظامی نیست اما درگیر جنگ سیاسی است، درگیر جنگ اقتصادی است، درگیر جنگ امنیتی است و بالاتر از همه درگیر جنگ فرهنگی است؛ یعنی یک جنگ است. یعنی این را اگر کسی نداند، آن وقت خواب خواهد ماند؛ اگر کسی نداند خواب خواهد ماند. همین قدر که ندانید دشمن در صدد حمله است و این حمله از کجا است و چگونه است، باید مطمئن باشید شکست می‌خورید؛ باید بدانید که دشمن چه کار میکند. امروز صحنه‌ی کشور این است. اینکه ما می‌گوییم «جنگ فرهنگی»، «جنگ اقتصادی»، این هیچ منافات ندارد با اینکه احساس آرامش هم در کشور بشود. ما طرفدار احساس امنیتیم، ما می‌خواهیم احساس امنیت بشود؛ این منافات ندارد با آن حرفی که گفتیم که دشمن دارد به شکل ویژه‌ی ممکن با ما مبارزه می‌کند. آن شکل ویژه را باید شناخت و راه مقابله‌ی با آن را پیدا کرد؛ انواع و اقسام شیوه‌ها هست ... امروز در زمینه‌های مختلف - همان‌طور که عرض کردیم، هم در زمینه‌ی اقتصادی، هم در زمینه‌ی فرهنگی، هم در زمینه‌ی سیاسی - یک جنگی در کشور وجود دارد. **وَإِنَّ أَخْلَاحَ الْحَرْبِ الْأَرْقُ**؛ کسی که اهل مبارزه است بیدار است؛ بعد فرمود: **وَمَنْ نَامَ لَمْ يَمِمْ عَنهُ**؛ اگر شما در جبهه خوابت برد، معنایش این نیست که طرف مقابل هم خوابش برده و او هم غافل است؛ اگر تو از او غافل شدی، نشانه‌ی این نیست که او هم از شما غافل است؛ نخیر، شما ممکن است خوابت ببرد، [اما] او بیدار باشد؛ این را باید توجه داشت؛ لذا است که عرصه عرصه‌ی مهمی است

بیانات مقام معظم رهبری در اولین روز ورود به ساری ۱۳۷۴/۷/۲۲



• دوران سازندگی، دوران جهاد اکبر هم هست

آن ملتی که با خدا آشتی باشد؛ آن ملتی که تضرّع و توسّل به خدا را فراموش نکند، راه سازندگیش هم هموارتر خواهد شد. «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا لَكُمْ ثُمَّ تُوْبُوا إِلَيْهِ يَرْسِلَ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُرْزَقْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ». (هود ۵۲) قرآن این گونه به ما یاد می دهد؛ یعنی استغفار، به خدا برگشتن، توجّه و رعایت امر و نهی الهی، پاکدامنی، تقوا، راستگویی، روح برادری و برابری، احسان به زیردستان، تواضع در مقابل برادران و خواهران مسلمان، کمک به درماندگان، عبادت پروردگار، نوافل، تلاوت قرآن، دعا و توسّل و تضرّع. وقتی این ارزشها در یک کشور و در میان ملتی وجود داشته باشد، اگر همراه با آن، عامل دیگر هم که تلاش باشد، بشود، هیچ چیز نخواهد توانست آن ملت را از پیمودن راه سعادت و صلاح باز بدارد. مراقب باشید دوران سازندگی، دوران جهاد اکبر هم هست: خودسازی، مبارزه با شیطان و مبارزه با نفس و توبه الی الله.

بیانات مقام معظم رهبری در اولین روز ورود به ساری ۱۳۷۴/۷/۲۲



• من جاهد فانّما یجاهد لنفسه

همه همّتِ انبیا و اولیا و اوصیا و صالحین، این بوده است که انسان، دشمنِ درونی خود را که نفسِ اماره اوست، کشف کند و از آن بپرهیزد. این، راز بزرگِ دست یافتن به مقامات و مراتب معنوی و الهی است. انسان از این رهگذر است که میتواند از فرشته هم بالاتر رود... عزیزان من همه کسانی که این ماه مبارک رمضان را پشت سر گذاشته‌ایم - ان شاء الله به قدر همّت و استعداد خود از آن ضیافت و سفره گسترده الهی استفاده کرده‌ایم و هر کس توشه و دستاوردی از ماه رمضان برده است. با اتکا به این دستاورد، بیایید همه ما از امروز سعی کنیم بخشی از عیب‌های درونی و نفسانی را از خودمان دور سازیم. این، به دست ما و در اختیار ماست. «و من جاهد فانّما یجاهد لنفسه (عنکبوت: ۶)». هر چه هم از این مجاهدت، عاید شود در درجه اول متعلّق به خود ماست.

بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۷۳/۱۲/۱۱



• در این مجاهدت تنها نمی مانید

بدانید که خدای متعال در این راه [جهاد با نفس] به کسانی که مجاهدت کنند کمک خواهد کرد. خدای متعال شما را در میدان مجاهدت برای رسیدن به کمال، تنها نمی گذارد و اولین سود، به خود هر شخص می رسد. علاوه بر این، منافع مبارزه با نفس، اصلاح نفس و مجاهدت درونی در راه خدا - که جهاد اکبر است - مخصوص خود شما هم نمی ماند؛ بلکه جامعه و کشور و ملت و اوضاع کشور و اوضاع سیاسی و عزّت بین المللی و اوضاع اقتصادی و وضع زندگی و خلاصه دنیا و آخرت مردم، از این رهگذر رونق و تالّو و درخشش پیدا می کند.

بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز عید سعید فطر ۱۳۷۳/۱۲/۱۱



• بدون جهاد نمی شود

مبادا کسی خیال کند که مملکت بدون فعالیت و تلاشی سازندگی - فقط با ذکر خدا گفتن - آباد خواهد شد؛ ابداً. باید تلاش کرد، باید مجاهدت کرد؛ هم مجاهدت علمی، هم مجاهدت عملی.

بیانات مقام معظم رهبری در اولین روز ورود به ساری ۱۳۷۴/۷/۲۲



• مراقب باشید، هویت جهاد تغییر نکند

سعی کنید هویت جهاد، تغییر پیدا نکند. اینی که شما می‌بینید هویت بعضی از اشخاص - فکرایشان، ترکیبهای ذهنی‌شان - از اول انقلاب تا حالا صد و هشتاد درجه عوض شده، این یک روال و ممشای طبیعی نیست که بگوئید طبیعتش همین است دیگر؛ نخیر، هرگز اینجوری نیست. طبیعی این است که اگر انسان یک فکر و یک راهی را به منطق و استدلال پذیرفت، این را تا آن نقطه‌ای آخر راه برود و اگر عمرش کفاف نداد، در این راه بمیرد.

... زمان بر روی عنصرهای ضعیف و بی‌ریشه و اعتقادهای واهی و مبتنی بر احساس محض اثر می‌گذارد؛ یا زمان با همراهی طمع‌ها و هوس‌ها اثر می‌گذارد. «انَّ الَّذِینَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ یَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ اِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّیْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا». قرآن می‌گوید: آنهایی که در جنگ احد برگشتند؛ طاقت نیاوردند بایستند، این لغزش اینها به خاطر آن کاری است که قبلاً کردند. ما وقتی روح را نساختیم، خودمان را محکم نکردیم، معلوم است؛ هر مماسی روی آن اثر می‌گذارد؛ یکی، دو تا، سه تا، ناگهان می‌بینید که شکلش عوض شد؛ اما وقتی که مثل فولاد آبدیده، محکم و استوار و بر مبنای تفکر درست و منطق صحیح، هویت دینی انسان شکل گرفت و هویت انقلابی شکل گرفت، هرچه زمان بگذرد، این هویت روشن تر، واضح تر، جذاب تر، مستحکم تر می‌شود.

بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان ۱۳۸۶/۴/۲۵



• اینها نیروی مجاهد را پوک می کند!

قرآن در دو جا اشاره می کند به انحطاط ملت هایی که اول ایمان آوردند، بعد در نسل بعد دچار انحطاط شدند. یک جا در سوره ی مریم است که می فرماید: **فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا**؛ یعنی اولی ها مبارزه کردند و ایمان آوردند، منتها بعد -معنای «خَلَفَ» با سکون لام، با «خَلَفَ» با فتحه ی لام، ضد هم است؛ «خَلَفَ» یعنی بازمانده ی بد، «خَلَفَ» یعنی بازمانده ی خوب؛ اینجا میگوید: **فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ** - بازمانده های بدی روی کار آمدند که «**أَضَاعُوا الصَّلَاةَ**»؛ اولین کارشان این بود که نماز را ضایع کردند؛ **وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ**؛ دنبال شهوات رفتند، دنبال شهوات شخصی رفتند؛ **فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا**؛ این دو عامل -عامل ضایع کردن نماز و دنباله روی از شهوات- این نیروهایی را که باید در مقام جهاد و مبارزه ایستادگی کنند و این ایستادگی قطعاً به پیروزی منتهی خواهد شد، اینها را تضعیف می کند؛ اینها را پوک می کند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۵/۰۴/۱۲



• مبارزه با نیروی ایمان و اعتقاد

من در یک جمله‌ی ساده و کوتاه عرض کنم که یک ملت، با نیروی ایمان و اعتقادش مبارزه می‌کند. اصلاً مبارزه و جنگیدن و مقاومت کردن، با ایمان است، نه با دست و چشم و بدن. دست و چشم و بدن ابزار است. یک آدم سالم و قوی، یک تیرانداز ماهر و آگاه به همه‌ی فنون جنگی را در نظر بگیرید که به جنگیدن ایمان ندارد. یک نفر ناوارد را هم در نظر بگیرید که بلد نیست چگونه تفنگ را به دستش بگیرد؛ اما معتقد است که باید با چنگ و دندان جنگید. این دو نفر، کدام‌شان بهتر می‌جنگند؟ آن‌که جنگیدن بلد است، اما معتقد نیست، نمی‌جنگد! درست است که بلد است، اما بلدِ خودش را به کار نمی‌اندازد. یکی هم هست که جنگیدن بلد نیست، اما معتقد است که باید جنگید. لذا با چنگ و دندان می‌جنگد و جنگیدن را در اسرع وقت یاد می‌گیرد.

مگر بسیجی‌های ما چه کار کردند؟ بسیجی‌های ما مگر دوره‌های آن‌چنانی دیده بودند؟ دوره‌های بیست روزه، دوره‌های چهل و پنج روزه، دوره‌های دوماهه و سه‌ماهه دیدند؛ اما دیدید در میدان جنگ چه کردند. چرا؟ چون معتقد بودند که باید دفاع کرد و جنگید. ملت ما از وقتی انقلاب کرد تا امروز، معتقد بوده است که باید با دشمنان اسلام بجنگد؛ با متجاوزین، با زورگوها و با آن‌هایی که سرنوشت این مملکت را ده‌ها سال در دست داشتند و خوردند و چاپیدند و از بین بردند، باید مبارزه کند؛ باید همه‌ی لذت‌ها را کنار بگذارد و به میدان مبارزه بیاید. ملت ما این عقیده را داشت؛ به میدان آمد و انقلاب پیروز شد، جنگ پیروز شد و تا امروز، بحمدالله، پیش آمده‌ایم.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۲/۰۲/۱۵



• آن تلاشی جهاد است که ...

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداق های بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده می شود، «فرهنگ رزمندگی و جهاد» است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یکوقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ یکوقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می شود؛ یکوقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می شود و یکوقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق می گردد. البته جهاد، با عنوانهای دیگر و در میدانهای دیگر هم هست. پس، شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش اینکه، در مقابل دشمن صورت گیرد.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۲/۲/۱۵



• جهاد بود، جهاد نبود

مبارزه انواع و اقسامی دارد: مبارزه‌ی علمی داریم، مبارزه‌ی مطبوعاتی داریم، مبارزه‌ی سیاسی داریم، مبارزه‌ی اقتصادی داریم، مبارزه‌ی نظامی داریم، مبارزه‌ی آشکار داریم، مبارزه‌ی پنهان داریم؛ اما یک نقطه‌ی مشترک در همه‌ی اینها وجود دارد و آن اینکه در مقابل یک خصم است؛ در مقابل یک مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛ مبارزه در مقابل یک دشمن است. فرض کنید در دوران اختناق، کسی هر هفته مثلاً پنج تا کتاب می‌خواند؛ خیلی کار بود؛ اما لزوماً مبارزه نبود؛ جهاد بود، جهاد نبود. اگر می‌خواست جهاد باشد، باید کتابی را می‌خواند که در حرکت او در مواجهه‌ی با رژیم طاغوت و رژیم اختناق، تأثیر داشت؛ آن وقت می‌شد جهاد. خاصیت جهاد این است.

بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان ۱۳۸۶/۴/۲۵



• در رأس همه تلاشها

هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم تلاش به معنای تعاون اجتماعی میان افراد، همه لازم است؛ اما در رأس همه‌ی این تلاش‌ها، آمادگی برای جان‌فشانی است که یک ملت را در میان ملت‌ها سرافراز می‌کند.

بیانات در یادمان شهدای شرق کارون ۱۳۹۳/۰۱/۰۶



• همه عرصه‌های زندگی، عرصه‌ی جهادند

باید دانست که رحمت الهی و کمک الهی بستگی دارد به حرکت و تلاش انسان مؤمن؛ به عمل صالح او. باید در میدان باشیم، باید احساس وظیفه را فراموش نکنیم؛ مجاهدت را فراموش نکنیم؛ جهاد در صحنه‌های مختلف، وظیفه‌ی ماست و ضامن پیشرفت و پیروزی ماست. در صحنه‌ی سیاسی هم جهاد هست، در صحنه‌ی فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه‌ی تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه‌های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه‌ی جهادند.

بیانات در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع) ۱۳۸۶/۴/۲۵



• اصل جهاد برقرار است

هنوز به آخر منزل نرسیده ایم؛ باید همچنان پیش برویم، باید همچنان تلاش کنیم، باید همچنان جهاد کنیم؛ میدان‌ها تفاوت کرده است اما اصل جهاد برقرار است.

بیانات در دیدار مردم نجف آباد ۱۳۹۴/۱۲/۰۵



• اردوی جهادی فرصت است!

روحیهی جهادی را بر روحیهی تافتهی جدابافته بودن ترجیح بدهید. یکی از خطراتی که گریبان کسانی را که یک امتیازی دارند می‌گیرد، این است که احساس کنند تافتهی جدابافته‌اند، احساس کنند یک سر و گردن از همه بالاترند؛ این خطر بزرگی است، این یک خطر شخصیتی است، یک بیماری شخصیتی است؛ نگذارید این بیماری در شما رشد بکند و راهش هم این است که کار جهادی و روحیهی جهادی را در خودتان تقویت کنید. روحیهی جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه‌ی خود دانستن، همه‌ی نیروها را در راه کار درست به میدان آوردن؛ این روحیهی جهادی است. برای اینکه این روحیهی جهادی در شما تقویت بشود، حضورتان در اردوهای جهادی خیلی خوب است. نگویید وقت‌مان تلف می‌شود؛ نه، بیشترین و بهترین استفاده از وقت همین است. درستان را بخوانید، پژوهش‌تان را بکنید، کارتان را بکنید، در اردوهای جهادی هم که در دوره‌ی سال، چند هفته‌ای انسان را مشغول می‌کند شرکت کنید. این شما را با متن مردم آشنا می‌کند، این شما را با مشکلات و معضلات جامعه که غالباً از چشم مسئولین دور می‌ماند، آشنا می‌کند. بعضی از مسئولین خبر از واقعیت‌های جامعه ندارند، دور خودشان و یک شعاع محدودی را فقط می‌بینند؛ [اینکه] در روستاها چه می‌گذرد، در شهرهای دور چه می‌گذرد، در خانواده‌های فرودست چه می‌گذرد، اینها را اصلاً ملتفت نیستند.

این را من در طول این تجربه‌ی طولانی بیست سی ساله، مکرر تجربه کرده‌ام؛ این را دیده‌ام در بعضی‌ها که به شما عزیزانم دارم عرض می‌کنم؛ خبر ندارند که چه هست. شما الان جوان هستید، نیرو دارید، حوصله دارید، وقت دارید، گرفتاری زیادی ندارید، از این فرصت استفاده کنید. یکی از فرصت‌ها هم همین اردوهای جهادی است؛ این اردوهای جهادی بمراتب بهتر از اردوهایی است که متأسفانه هنوز هم معمول است. با اینکه من هشدار داده‌ام، بعضی‌ها اردو درست می‌کنند که بفرستند اروپا؛ اردوی دانشجویی به اروپا! یکی از غلط‌ترین کارها این است؛ این اردوی جهادی، از آن به مراتب بهتر و شرافتمندانه‌تر و مفیدتر است. حضور در اردوهای جهادی، تماس مستقیم با

مردم، احساس مسئولیت پیدا می‌کنید. انسان وقتی خدمت کرد به‌طور مستقیم، خدمت در چشم انسان عزیز میشود؛ نقاط ضعف را پیدا می‌کنید.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی نخبگان فردا ۱۳۹۴/۰۷/۲۲



جہانِ فرهنگی



• مبارزه فرهنگی با اسلام

مبارزه‌ی قدرت‌های استکباری با اسلام، به آنچه نسبت به ایران و مردم آن و نظام جمهوری اسلامی اعمال شد، منحصر نماند؛ بلکه دشمنی با اسلام در دایره‌ای وسیع‌تر، هم با روش‌های سیاسی و تبلیغاتی، و هم با روش‌های فرهنگی با جدیت دنبال شد ... نوشتن مقالات و کتب و تهیه‌ی فیلم‌های اهانت‌آمیز نسبت به اسلام و نشر آن در محیط‌های اسلامی و غیر اسلامی نمونه‌های مبارزه‌ی فرهنگی با اسلام است. اکنون دولت‌های استکباری مانند امریکا و انگلیس و امثال آنان، پول‌های گزافی را در راه این خصومت‌های جنایت‌آمیز خرج می‌کنند و متأسفانه هستند نویسندگان و هنرمندانی که برای منفعت مادی، قلم و بیان و هنر خود را در معرض معامله گذارده و با سرکوب وجدان هنری و ادبی خود، در خدمت مقاصد شوم صاحبان قدرت قرار می‌گیرند.

پیام به کنگره عظیم حج ۱۴/۰۴/۱۳۶۸



• مثل یک بمب شیمیایی

در حال حاضر، یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیلی راه افتاده تا با ما بجنگد. جنگ هم جنگ نظامی نیست. بسیج عمومی هم در آن جا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم به گونه‌ای است که تا به خود بیاییم، گرفتار شده‌ایم. مثل یک بمب شیمیایی نامحسوس و بدون سروصدا عمل می‌کند. فرض کنید در محوطه‌ای یک بمب شیمیایی بیفتد که احدی نفهمد که این بمب در آن جا افتاد؛ ولی پس از هفت، هشت ساعت ببینند صورت‌ها و دست‌های همه تاول زده‌است.

الان در مدرسه‌ها و داخل خیابان‌ها و جبهه‌ها و حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های ما، ناگهان نشانه‌های این تهاجم تبلیغی و فرهنگی را خواهید دید. الان مقداری هم آن را می‌بینید و بعدا هم بیشتر خواهد شد. یک کتاب چاپ می‌شود، یک فیلم تولید می‌شود و به صورت ویدئو داخل کشور می‌آید و زمینه‌ی چنین تهاجمی را فراهم می‌کند. دیشب یکی از آقایان می‌گفت: وسایل کوچکی اختراع شده که در آن، بیست فیلم ویدئویی به صورت میکروفیلم ضبط می‌شود و هر فردی می‌تواند آن را لای دکمه‌اش مخفی کند و به داخل کشور بیاورد و بین جوان‌ها توزیع کند!

بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب ۱۳۶۸/۰۹/۷



• تهاجمی وسیع‌تر از انقلاب

امروز تهاجم فرهنگی عظیمی علیه اسلام هست که ارتباط مستقیمی با انقلاب ندارد. این تهاجم، وسیع‌تر از انقلاب و علیه اسلام است. چیز عجیب و فوق‌العاده‌یی است که با تمام ابعاد فرهنگی و اجتماعی و سیاسی، علیه اسلام ... وارد کارزار شده‌است. فقط یک استثنا دارد و آن اسلام وابسته به دستگاه‌های استعماری و فهدگونه است؛ والا حتی اسلام هم، به معنای اعتقاد عوامانه‌ی مردم هم مورد تهاجم است؛ چه برسد به اسلام ناب و انقلابی - و به تعبیر آنها اسلام ایران - که دیگر وضعش روشن است.

بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب ۱۳۶۸/۹/۷



• مقابله به مثل در نبرد فرهنگی

الان، یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است. هرکس بتواند بر این صحنه کارزار و نبرد تسلط پیدا کند، خبرها را بفهمد، احاطه ی ذهنی داشته باشد و یک نگاه به صحنه بیندازد، برایش مسلم خواهد شد که الان دشمن از طرق فرهنگی، بیشترین فشار خود را وارد می آورد نبرد فرهنگی را با مقابله ی به مثل می شود پاسخ داد. کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی شود جواب داد. تفنگ او، قلم است. این را می گوییم، تا مسئولان فرهنگ کشور و کارگزاران امور فرهنگی در هر سطحی و شما فرهنگیان عزیز - اعم از معلم و دانشجو و روحانی و طلبه و مدرّستان، تا دانش آموزتان و تا کسانی که در بیرون این نظام آموزشی کشور مشغول کارند - احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شماست و بدانید که چگونه دفاع خواهید کرد و چه کاری انجام خواهید داد.

مثل جنگ نظامی، چشمها را باید باز کرد و صحنه را شناخت. در جنگ نظامی هم، هر طرفی که بدون شناسایی و دیده بانی و بدون دانستن وضعیت دشمن، چشمش را ببندد، سرش را پایین بیندازد و جلو برود، شکست خواهد خورد. در جنگ فرهنگی هم، همین طور است. اگر ندانید که دشمن کار می کند، یا از آن که می داند، فرمان نبرید، از فرماندهی فرهنگی دستور نگیرید، یا او از نیروی شما استفاده نکند و مانور و سازماندهی را درست انجام ندهد، پشت سرش شکست است.

بیانات در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسئولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز

معلم و روز جهانی کارگر ۱۳۶۹/۲/۱۲



• مسأله‌ی توطئه‌ی فرهنگی این‌ها نیست

اینکه ما مکرر گفته‌ایم و می‌گوییم که توطئه‌ی فرهنگی در جریان است و من آن را به عیان در مقابل خودم مشاهده می‌کنم، متکی به استدلال است؛ شعار نمی‌دهم؛ من این را مشاهده می‌کنم. امروز دشمن با شیوه‌ی بسیار زیرکانه‌یی در داخل، در حال یک جنگ و مبارزه‌ی تمام عیار فرهنگی علیه ماست.

حالا ما برای این جنگ فرهنگی چه کار باید کنیم؟ عادت بر این جاری است که اگر یک مشکل فرهنگی در کشور دیده یا شنیده بشود که چنین مشکلی هم وجود دارد همه‌ی روها را به طرف دولت برگردانیم و بگوییم که دولت! شما چرا تلاش و فعالیت نمی‌کنی؟! مثال واضح هم بدجایی، یا در بعضی از شهرها و نقاط دور افتاده، رواج این ساز و دهل‌های قدیمی و این چیزهایی است که گاهی آقایان برای ما می‌نویسند، یا گزارش می‌آید و ما مطلع می‌شویم که بعضی آقایان گله‌مند و ناراحتند.

البته این‌ها ظواهر بدی است شکی نیست اما مسأله‌ی توطئه‌ی فرهنگی این‌ها نیست؛ این‌ها ظاهری کوچکی است و نسبت به آن توطئه، مسأله‌ی خیلی کم‌اهمیتی است.

بیانات در دیدار ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۷۰/۶/۲۵



• زیان‌های جبران‌ناپذیری ناشی از بی‌تفاوتی و مسامحه

در حال حاضر و بخصوص پس از شکست کامل مارکسیسم، استکبار غرب برای گسترش سیطره‌ی سیاسی و الحادی خود بر ملت‌های انقلابی، عمدتاً از محورها و شیوه‌های فرهنگی بهره می‌گیرد. معارضه‌ی شایسته با تهاجم فرهنگی غرب در ابعاد مختلف، باید در صدر برنامه‌های رسانه‌های عمومی قرار گیرد. بی‌تفاوتی و مسامحه در برابر این تهاجم فرهنگی، که گاه با قلم عناصر مطرود و خودباخته‌ی داخلی صورت می‌گیرد، زیان‌های جبران‌ناپذیری در بر خواهد داشت.

انتصاب نماینده ولی فقیه در مؤسسه کیهان ۱۳۷۰/۷/۲



• اگر نشناختیم و خوابیدیم، از بین رفته‌ایم

این مسأله‌ی «تهاجم فرهنگی» که ما بارها روی آن تأکید کرده‌ایم، واقعیت روشنی است؛ با انکار آن، ما نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. «تهاجم فرهنگی» را نباید انکار کرد؛ وجود دارد. به قول امیرالمؤمنین صلوات الله علیه، «**من نام‌لم یمنعنه**»؛ اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمنت هم در سنگر مقابل خوابش برده‌است. تو خوابت برده؛ سعی کن خودت را بیدار کنی. ما باید توجه داشته‌باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است؛ کمالین که اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است. ما نیاستی چیزی را که روشن و واضح است، انکار کنیم. در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه‌های جمعی ما، در کتاب‌هایی که می‌نویسند، در ترجمه‌هایی که می‌کنند، در شعرهایی که می‌سرایند، در برنامه‌های فرهنگی علی‌الظاهر بی‌ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خبرش را قاعدتا شما آقایان - که عناصری فرهنگی هستید - می‌شنوید، همه‌جا یک آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده‌است و وجود دارد.

این، آن چیزی نیست که مثلاً از صد سال قبل بوده‌است. بله، از صد سال قبل هم تهاجم فرهنگی علیه اسلام بود؛ اما وقتی که انسان با یک دشمن خواب‌آلوده روبه‌روست، آرایش نظامیش یک نوع است؛ وقتی با یک دشمن بیدار روبه‌روست، آرایش نظامی نوع دیگر می‌شود. آن روز عالم اسلام، خواب‌آلوده، بلکه تخدیرشده و مست بود؛ اصلاً گاهی دشمن به او ضربه‌یی می‌زد، یک سوزن در رگش فرو می‌کرد و چیزی تزریق می‌کرد؛ تمام می‌شد می‌رفت؛ اما الان اسلام بیدار است؛ دشمن دنیای غرب، امروز بیدار است؛ مثل قهرمانی در میدان است؛ یک خاطره‌ی تمام‌نشدنی از شخصیتی مثل امام را با خودش دارد؛ این همه ذخیره‌ی انقلابی دارد؛ این همه جوان خوب دارد؛ این‌ها شوخی نیست. امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما، آن

ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی‌گیرد. ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم؛ اگر نشناختیم و خوابیدیم، از بین رفته‌ایم؛ همان «من نام‌المینم عنه» است. «ان اخا الحرب الارق ومن نام‌المینم عنه»؛ مرد جنگ باید بیدار باشد؛ و اگر تو خوابیدی، لازمه‌اش این نیست که حتما دشمن تو در سنگر مقابل خوابیده باشد؛ او ممکن است بیدار باشد.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۰/۹/۲۰



• بی‌اعتقاد کردن نسل نو

تهاجم فرهنگی، به مقصود بی‌اعتقاد کردن نسل نو انجام می‌گیرد؛ هم بی‌اعتقاد کردن به دین، هم بی‌اعتقاد کردن به اصول انقلابی و آن تفکر فعالی که امروز استکبار از آن می‌ترسد و قلمرو قدرت‌های استکباری را به خطر می‌اندازد.

... از اول انقلاب تا حالا، ما درگیر این قضیه بوده‌ایم؛ الان هم در همه‌ی زمینه‌ها - اعم از زمینه‌ی اقتصادی، یا زمینه‌ی فرهنگی، یا زمینه‌ی سیاسی - عملاً درگیر هستیم. همه‌جا باید خودمان را تجهیز کنیم، و این تجهیز، یکی از مهمترین تدابیرش همین است که ما جوانان و نوجوانان و کودکان این مرز و بوم را اسلامی بار بیاوریم.

البته در کشور ما، آموزش و پرورش یک بنای قدیمی است؛ لیکن نه با هندسه‌ی صحیحی از آغاز کار. در این‌جا اول کار، آموزش و پرورش را مثل اغلب بناهای فرهنگی، بر مبنای صحیحی نگذاشتند؛ شما دارید مجاهدت می‌کنید که این مبنای صحیح را به‌وجود بیاورید؛ بنابراین مشکلات زیادی دارد؛ این مشکلات را تحمل نکنید و آن را به حساب جهاد در راه خدا بگذارید. این را، هم شما توجه داشته باشید که عملتان جهادی است، و هم معلمان سراسر کشور - هر جا هستند - بایستی به این نکته توجه داشته باشند. کار شما واقعا یک عمل جهادی و یک مجاهدت در راه خداست؛ سختی‌هایی هم دارد، که باید آنها را تحمل کنید؛

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۷۰/۱۰/۲۵



• چه کسی می تواند دفاع کند

دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشا - سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند. چه کسی می‌تواند از این فضیلت‌ها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلت‌ها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلت‌ها دفاع کند! این جوان با اخلاص می‌تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزش‌های اسلامی می‌تواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الآن هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید، این، واجب است. این، مسئولیت شرعی شماست. امروز مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.

بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۲



• تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی

«تهاجم فرهنگی»، با «تبادل فرهنگی» متفاوت است. تبادل فرهنگی لازم است. هیچ ملتی بی‌نیاز نیست از این‌که در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه مسائل فرهنگی - آن مجموعه مسائلی که به آن‌ها نام فرهنگ داده می‌شود - از ملت‌های دیگر بیاموزد. همیشه تاریخ نیز همین بوده‌است. ملت‌ها در رفت و آمدهایشان، آداب زندگی را، خُلقیات را، علم را، لباس پوشیدن را، آداب معاشرت را، زبان را، معارف را و دین را از یکدیگر فراگرفته‌اند. این، مهم‌ترین تبادل‌های ملت‌ها با هم بوده‌است؛ حتی مهم‌تر از تبادل اقتصادی و کالا. بسیار اتفاق افتاده است که این تبادل فرهنگی، به تغییر مذهب یک کشور انجامیده است! ... خود ملت ما هم، در طول زمان، خیلی چیزها از ملت‌های دیگر آموخته‌است و این، یک روند ضروری برای تر و تازه ماندن معارف و حیات فرهنگی در سرتاسر عالم است. این، تبادل فرهنگی است و خوب است. تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه - سیاسی یا اقتصادی - برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌ای هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و آن ملت می‌کند؛ اما به زور؛ اما به قصد جایگزین کردن آنها با فرهنگ و باورهای ملی. این، اسمش تهاجم است.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۰۵/۲۱



• تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن

در تبادل فرهنگی، هدف، بارور کردن فرهنگ ملی و کامل کردن آن است. اما در تهاجم فرهنگی، هدف، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است. در تبادل فرهنگی، آن ملتی که از ملت‌های دیگر چیزی می‌گیرد، می‌گردد چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد ... در تهاجم فرهنگی، چیزهایی که به ملت مورد تهاجم می‌دهند، چیزهای خوب نیست، بلکه چیزهای بد است. فرض بفرمایید اروپایی‌ها، وقتی تهاجم فرهنگی را در کشور ما شروع کردند، نیامدند روحیه وقت شناسی‌شان را، روحیه شجاعت و خطر کردن در مسائل راه، یا تجسس و کنجکاوی علمی راه، در ملت ما منتشر کنند و با تبلیغات و تحقیقات، سعی کنند ملت ایران، ملتی دارای وجدان کاری یا وجدان علمی شود. این کارها را که نمی‌کنند! مسئله لابی‌گری جنسی را وارد کشور ما می‌کردند ... در تهاجم فرهنگی، دشمن می‌گردد آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این ملت می‌کند که خودش می‌خواهد. معلوم است که دشمن چه می‌خواهد! ... پس، تبادل فرهنگی به انتخاب ماست؛ اما تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن است. تبادل فرهنگی انجام می‌دهیم تا کامل شویم؛ یعنی فرهنگ خودی را کامل کنیم. اما تهاجم فرهنگی انجام می‌گیرد تا فرهنگ خودی را ریشه‌کن کند. تبادل فرهنگی از چیزهای خوب است؛ تهاجم فرهنگی از چیزهای بد است. تبادل فرهنگی در هنگام قوت و روزگار توانایی یک ملت انجام می‌گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی در دوران ضعف یک ملت است.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۵/۲۱



• آغاز تهاجم فرهنگی

این تهاجم فرهنگی، از چه وقت شروع شد؟ مشخصاً از دوران رضاخان شروع شد. البته قبل از او، مقدمات آن، فراهم شده بود. کارهای فراوانی شده بود: روشنفکران وابسته، در داخل کشور ما کاشته شده بودند ... کسی که به نفع فرهنگ غربی - یعنی درحقیقت، به نفع سلطه غرب بر ایران - و به نفع استعمار به وسیله انگلیس، در آن روز بزرگترین قدم را برداشت، رضاخان بود. ... این مردِ قلدرِ نادانِ بی‌سواد آمد و در اختیار دشمن قرار گرفت. ناگهان لباس این کشور را عوض کرد؛ بسیاری از سنت‌ها را عوض کرد؛ دین را ممنوع کرد! کارهایی کرد که همه شنیده‌اید و در دوران پهلوی‌ها انجام گرفته‌است؛ آن هم با قلدری.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۵/۲۱



• توقف تهاجم در سال‌های نخستین انقلاب

انقلاب اسلامی که آمد، مثل مشتی به سینه مهاجم خورد؛ او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد. در دوران اول انقلاب، شما ناگهان دیدید که مردم ما در ظرف مدت کوتاهی، تغییرات اساسی در خُلقیات خودشان احساس کردند: گذشت در بین مردم زیاد شد؛ آز و طمع کم شد؛ همکاری زیاد شد؛ گرایش به دین زیاد شد؛ اسراف کم شد؛ قناعت زیاد شد - فرهنگ این‌هاست؛ فرهنگ اسلامی این‌هاست - جوان به فکر فعالیت و کار افتاد، دنبال تلاش رفت؛ خیلی‌ها که به شهرنشینی عادت کرده بودند، به روستاها رفتند؛ گفتند: «بگذار کار کنیم، بگذار تولید کنیم.»؛ شبه کارهایی که به صورت گیاه هرزی در زندگی اقتصادی مردم رشد پیدا کرده بود کم شد. این، مربوط به یکی دو سال اول انقلاب بود. این، مربوط به همان زمانی است که تلاش روزبه‌روز دشمن برای پاشیدن بذر اخلاقیات منفی متوقف شده بود و یک گرایش و یک توجه به اسلام پیش آمده بود. مجدداً آن فرهنگ و اخلاق و آداب و خُلقیات اسلامی که در خمیره مردم ما بود، در آنان زنده شد. البته عمیق نبود. عمق، آن زمانی پیدا می‌کند که روی موضوع، چند سالی کار شود. این فرصت پیش نیامد و آن تهاجم، بتدریج و به مرور، از سر گرفته شد. تهاجم، در اواسط دوران جنگ به وسیله ابزارهای تبلیغی و گفتارهای غلط و کج‌اندیشانه شروع شد و آن ته‌نشین‌ها و رسوب‌های ذهنی و روحی خود ما مردم هم در تأثیر گذاری‌اش مؤثر بود. اما باز حرارت جنگ، مانع بود، تا جنگ تمام شد.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۵/۲۱



• بمباران عقبه فرهنگی

بعد از جنگ، این جبهه جدید، به شکل جدّی مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی‌شود از بین برد. محاسبه قبلی، غلط از آب درآمده بود ... فهمیدند باید عقبه ما را بمباران کنند ...

عقبه ما، در مبارزه ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت بود از «فرهنگ» ما. منطقه عقبه ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام. یعنی علاقه آن مادری که چهار پسرش شهید شده‌اند و می‌گوید من اینها را در راه اسلام دادم، و به این راضی است. ... دشمن که کور نبود. دشمن این‌ها را دید، دشمن اینها را تحلیل کرد و فهمید این ملت عقبه‌ای دارد. فهمید تا آن عقبه هست، این ملت را با محاصره اقتصادی و با محاصره نظامی و یا چه و چه، نمی‌شود به زانو درآورد. پس، آن عقبه را باید بمباران کرد؛ فرهنگ او را، اخلاق او را، ایمان او را، ایثار او را، اعتقاد به دین او را، اعتقاد به رهبری او را، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت او را؛ اینها را باید از بین برد. و شروع کرد.

بعد از جنگ، محیط هم مناسب بود. چون کوره گداخته جنگ، جوان را به خود مشغول می‌کرد؛ به خود جذب می‌کرد و گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود. وقتی آن کوره خاموش شد، محیط مناسبی پیش آمد و به طور وسیع شروع به برنامه‌ریزی کردند و ابزارهای متعددی را به کار گرفتند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۵/۲۱



• تنوع ابزارهای در تهاجم فرهنگی

من وقتی به تنوع ابزارهای دشمن نگاه می‌کنم، می‌فهمم چقدر این قضیه برای این‌ها اهمیت داشت! یکی از کارها این بود که جریان ادب و هنر و فرهنگ انقلابی را در کشور تحقیر کنند و به انزوا بکشانند. این یکی از کارهایشان بود. از جمله کارهای مهمی که انقلاب کرده، یکی این است که یک عده عنصر فرهنگی و ادیب و هنرمند و دارای اقتدار فرهنگی تربیت کرده و بحمدالله کم هم نیستند.

... یکی از کارهای دشمن، این شد که این مجموعه‌های مؤمن را منزوی کند. جوان، بی‌تجربه است. به مجرد این که ببیند در یک دستگاه رسمی کشور - مثلاً در یک مرکز فرهنگی کشور - دو نفر به او اخم کردند، به او بی‌اعتنایی کردند، او را تحقیر کردند؛ در حرکتش اثر می‌گذارد و او را کُند می‌کند... از جمله روش‌های دیگری که دشمنان در مجامع جهانی به کار زدند، این است که وقتی فیلم یا آثار و فرآورده‌های هنری ایران مطرح می‌شود، کاری که نشان از همین روحیات انقلابی در آن باشد، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد! این مجمع جهانی، مثلاً و به ظاهر، یک مجمع غیرسیاسی است؛ اما باطن قضیه، این طور نیست... بنده احتمال می‌دهم اگر رویشان بشود، جایزه نوبل را هم حاضرند به یکی از همین عناصر ضداسلامی و ضدانقلابی بدهند؛ برای این که آنها را در دنیا بزرگ کنند؛ برای این که عناصر انقلابی را منزوی کنند! این، تهاجم فرهنگی نیست؟!

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۵/۲۱



• تهاجم پنهانی و زیرزیرکی

تهاجم فرهنگی، مثل خودِ کار فرهنگی، اقدام آرام و بی سر و صدایی است. یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی، این بوده است که سعی کنند جوانان مؤمن را از پایبندی‌های متعصبانه به ایمان، که همان عواملی است که یک تمدن را نگه می‌دارد، منصرف کنند. همان کاری را که در اندلس، در قرن‌های گذشته کردند. یعنی جوانان را در عالم، به فساد و شهوترانی و میگساری و این چیزها مشغول کردند. این کار، حالا هم انجام می‌گیرد. من بارها گفته‌ام: عده‌ای وقتی در خیابان نگاه می‌کنند و زنانی را می‌بینند که حجابشان قدری ناجور است، دلشان خون می‌شود. بله؛ این کار بدی است. اما کار بد اصلی، این نیست. کار بد اصلی آن است که شما در کوچه و خیابان نمی‌بینید! کسی به کسی گفت: «چه کار می‌کنی؟» گفت: «دهل می‌زنم.» گفت: «چرا صدای دهلت در نمی‌آید؟» گفت: «فردا صدای دهل من درمی‌آید!» صدای فروریختن ایمان و اعتقاد ناشی از تهاجم پنهانی و زیرزیرکی دشمن - اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید - خدای نخواست، آن وقتی در می‌آید که دیگر قابل علاج نیست! جوان جبهه رفته ما را اگر محاصره کردند؛ اگر اول یک ویدئو در اختیارش گذاشتند و بعد او را به تماشای فیلم‌های جنسی و قیح وادار کردند؛ شهوت او را تحریک کردند و بعد او را به چند مجلس کشاندند، چه خواهد شد؟! وقتی تشکیلاتی وجود داشته باشد، جوان را در اوج نیروی جوانی، فاسد می‌کنند. و حالا دشمن این کار را می‌کند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۵/۲۱



• آنکه دین ندارند، میهن دوستی هم ندارند

اگر روزی دشمنی به کشوری حمله نظامی کند. چه کسی در مقابلش می ایستد؟ کسی که از همه به سرزمین خود علاقه مندتر است؛ به ملت خود علاقه مندتر است؛ به زخارف دنیوی بی علاقه تر است؛ احساس مسئولیت بیشتری می کند و متعهدتر است. چنین کسی می رود دفاع می کند. شما دیدید که در دوران جنگ، چه کسانی رفتند دفاع کردند ... در زمینه فرهنگی نیز همین طور است. آن عنصری که وابسته به دستگاه شاهنشاهی است و دلش به یاد آن روزها می تپد، نمی آید از نظام و فرهنگ اسلامی دفاع کند.

چرا ما باید غافل باشیم؟! کسی از فرهنگ اسلامی و حیثیت و موجودیت این ملت دفاع می کند و در مقابل تهاجم دشمن می ایستد که دلش در هوای اسلام بتپد و اسلام و ایران را دوست بدارد. عده ای که دین ندارند، میهن دوستی هم ندارند؛ ایران را هم قبول ندارند. کسی که سلطه امریکا را برای ایران بپسندد و تشویق کند، میهن دوست نیست. ... اینها با این قلم زهرآگینشان می آیند در مقابل تهاجم دشمن، از فرهنگ ملی و اسلامی و ایرانی دفاع کنند؟! معلوم است که نمی کنند! معلوم است که این، ستون پنجم دشمن است! این، برای دشمن کار می کند.

این، از خدا می خواهد که امریکایی ها برگردند! از خدا می خواهد که نظام وابسته به امریکا و استکبار و گردن کلفت ها برگردد. این، برای نظام اسلامی کار خواهد کرد؟ تلاش خواهد کرد؟ معلوم است که نه! ... آن کارگردان یا تهیه کننده ای که وقتی فیلم را می سازد، از پیش فکر می کند که «این نکته را در این فیلم خواهم گنجانم، تا یکی از پایه های اعتقادی این نظام را هدف قرار دهم» که از اسلام و انقلاب دفاع نمی کند! با زبان خاص فیلم و با همان شکلی که در فیلم امکان دارد، کار خودش را انجام می دهد. یعنی اکتفا نمی کند به این که به انقلاب کمک

نکنند؛ فیلم می‌سازد برای این که به انقلاب حمله کند! از اول که این فیلم را می‌سازد، یا این داستان را می‌نویسد، هدفش این است که کارایی نظام اسلامی را زیر سؤال ببرد و بگوید: «این نظام اسلامی، کارایی ندارد.» از اولی که این مقاله را می‌نویسد یا این اثر هنری را تولید می‌کند، هدفش این است که نشان دهد این دولت کارایی ندارد؛ توان اداره ندارد. این، درحال خدمت به مصالح این کشور است یا درحال خیانت؟ به این می‌شود تکیه کرد؟! معلوم است که نمی‌شود تکیه کرد!

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۵/۲۱



• به عناصر خودی تکیه کنید

من از همه این حرف‌ها، یک جمله را می‌خواهم نتیجه بگیرم. امروز که می‌آمدم صحبت کنم، با خودم فکر کردم: اگر یک مطلب را بتوانم به شما برادران و خواهران عزیز عرض کنم، حرف خودم را زده‌ام. آن مطلب این است که در مقابل تهاجم، عناصر مؤمن خودی می‌توانند بایستند. عناصر مؤمن خودی را، هر جا که هستند، گرامی بدارید. حرف من این است. من به مسئولین فرهنگی کشور، از وزارت آموزش و پرورش تا وزارت ارشاد اسلامی، تا سازمان تبلیغات اسلامی، تا بقیه مؤسسات و بنگاه‌های فرهنگی کشور، عرض می‌کنم: به عناصر خودی تکیه کنید. منظور من این نیست که اگر کسی، جوان انقلابی نیست، دستش را بگیرد بگذاریدش بیرون؛ نه. چه کسی چنین چیزی را می‌گوید؟ اصلاً منطبق اسلام که این نیست؛ منطبق انقلاب که این نیست. میدان بدهید. به همه میدان بدهید. هر کس که می‌خواهد برای این ملت کار کند، کار کند. من می‌گویم اجازه منزوی شدن عناصر خودی را ندهید... این ملت، برای این که حیثیتش و کیان حقیقی و انسانی و اسلامی و انقلابی و فرهنگ ملی‌اش حفظ شود، احتیاج به مجاهدت و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم دشمن و تهاجم کردن به نقاط ضعف دشمن دارد. این را خودی‌ها می‌توانند بکنند. من حرفم فقط همین است. من می‌گویم: اگر می‌خواهید هنر این کشور رشد و اعتلا پیدا کند، به هنرمند جوان مؤمن تکیه کنید. او می‌تواند از اسلام و از انقلاب و از این کشور دفاع کند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۵/۲۱



• فرهنگ، جهاد و مبارزه‌ای طولانی می‌طلبید

هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند؛ از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه ناامید سازد. آن آقایی که خودش به حسب آنچه که ما می‌بینیم خسر الدنیا و الاخره است، بر می‌دارد می‌نویسد که «ملت ایران خسر الدنیا و الاخره شده‌اند» می‌نویسند، و چاپ هم می‌کنند که «مسلمان‌های عالم و از جمله ملت ایران، خسر الدنیا و الاخره شدند.» چرا؟ چون با امریکا جنگیدند؛ مقصودش این است! این، خسر الدنیا و الاخره بودن است؟! ملت ایران که توانست خود را از ذلت و وابستگی نجات دهد؛ توانست خود را از ذلت و ننگ ارتباط و اتصال با رژیم منحوس دست نشانده‌ی فاسد پهلوی و ارتباط با امریکا نجات دهد و این‌طور شجاعت و شهامت و سربلندی در دنیا از خود به نمایش بگذارد و در جاده‌ی آزادی گام نهد، خسر الدنیا و الاخره است؟! ... نسبت به مردم این حرف‌ها را می‌زنند و پخش هم می‌کنند. برای چه پخش می‌کنند؟ برای این که مردم را متزلزل کنند؛ برای این که ایمان مردم را عوض کنند. این، کار کیست؟ کار همان دشمنی که استقلال اقتصادی به ضرر اوست، استقلال سیاسی به ضرر اوست؛ استقلال فرهنگی به ضرر اوست.

این‌ها عوامل دشمنند. این، تهاجم فرهنگی است. این، مبارزه با ملت ایران است، که دشمنان انجام می‌دهند. مخصوص ما هم نیست؛ اینها با اسلام بدند و با اسلام دشمنی می‌کنند. حال وظیفه‌ی ما چیست؟ من می‌گویم وظیفه‌ی معلم و فرهنگی و دانش‌آموز که اینها در مرکز دایره قرار دارند و همچنین همه‌ی کسانی که با امور فرهنگی کشور سر و کار دارند، یک جهاد و مبارزه‌ی طولانی است.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۲/۲/۱۵



• انتقامش را از جوانان می گیرند

عده ای خیال کرده اند که وقتی ما به تهاجم فرهنگی غرب حمله می کنیم، فقط مسأله مان این است که یک نفر در خیابان حجابش را درست رعایت نکرده است ... مسأله اینها نیست. این، فرعی است. اصل قضیه آن است که داخل خانه هاست و از مجامع جوانان سرچشمه می گیرد و دشمنان آن جا کار می کنند. آن که آشکار نیست، آن که پنهان است، خطر آن جاست. جوانان ما شهوات را دور انداختند، راحتی و لذت را دور انداختند؛ رفتند در میدان مبارزه و توانستند دشمن را به زانو درآورند. حال دشمن از جوانان ما انتقامش را می گیرد. انتقامش چیست؟ انتقام دشمن این است که جوانان ما را به لذات و شهوات سرگرم کند. پول خرج می کنند، عکس مبتذل چاپ می کنند و مجانی بین جوانان منتشر می کنند. ویدئو درست می کنند و فیلم های مهیج شهوت را مجانی به این و آن می دهند که نگاه کنند. البته، یک عده از این طریق، پول هم دست می آورند؛ اما آن هایی که سرمایه گذاری می کنند، برای پول، سرمایه گذاری نمی کنند. می توانند آن ها را در کشورهای دیگر، آزادانه پخش کنند و پول به دست آورند. این جا می خواهند نسل جوان را ضایع و نابود کنند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۲/۲/۱۵



• مبارزه‌ای واجب‌تر از واجب

حال اگر دشمن با امواج خبری وارد کشور ما شود؛ با رادیوهایش وارد کشور ما شود و حرف‌هایش را وارد کشور ما کند و در ذهن ملت این‌طور وارد کند که «مبارزه خوب نیست؛ دفاع از اسلام فایده‌ای ندارد؛ ایستادگی در مقابل دشمن ثمری ندارد؛ هر چه زحمت بکشید و مبارزه کنید، ضرر کرده‌اید» آیا باز هم در مملکت ایران، مبارزه‌ای علیه دشمنان اسلام باقی خواهد بود؟! معلوم است که نه! خیلی از مسلمانان در دنیا هستند که با امریکا و دشمنان اسلام مبارزه نمی‌کنند. خیلی ملت‌ها هستند که قرآن هم می‌خوانند، نماز هم می‌خوانند، عبادت هم می‌کنند، اما با دشمن اسلام مبارزه نمی‌کنند که هیچ، با آنها دوستی هم می‌کنند! اگر دشمن بتواند ملت ما را به ملتی که اعتقادی به مبارزه ندارد، امیدی به پیروزی ندارد، زهدی نسبت به جلوه‌های شهوانی و مادی ندارد، تبدیل کند، پیروز شده‌است.

این‌جاست که مبارزه‌ی فرهنگی، مبارزه‌ای واجب‌تر از واجب می‌شود.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۲/۲/۱۵



• شبیخون فرهنگی

مبارزه برای استقلال فرهنگی، از همه‌ی انواع استقلال‌ها سخت‌تر است. من یک وقت گفتم دشمنان «شبیخون فرهنگی» می‌زنند. این ادعا راست است و خدا می‌داند که راست است. بعضی نمی‌فهمند؛ یعنی صحنه را نمی‌بینند. کسی که صحنه را می‌بیند، ملتفت است که دشمن چه کار می‌کند و می‌فهمد که شبیخون است، و چه شبیخونی هم هست!

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۲/۲/۱۵



• یکی از سخت‌ترین جهادها

شهید مطهری یک مبارز در راه خدا؛ یعنی یک مجاهد فی سبیل‌الله بود. منتها جهاد، انواعی دارد. یکی از سخت‌ترین جهادها این است که در مقابله با هجوم افکار و فرهنگ‌های غلط و انحرافی و درک غلط جمعی از مردم، انسانی که حق را می‌شناسد، بایستد و بخواهد از حق دفاع کند و با بیان، با فکر، با منطق و با سلاح زبان و قلم، ذهن‌ها را به سمت آنچه درست است هدایت کند. این، از آن جهادهای بسیار دشوار است همان مبارزه موجب شد که مطهری به شرف شهادت نائل شود؛ یعنی آن دشمنی که مطهری را بر زمین انداخت و خون او را جاری کرد، دشمنی بود که از ارشادها و آگاهی‌هایی که او به مردم می‌داد، صدمه می‌دید. چون شهید مطهری در مقابل التقاط ایستاد، در مقابل نفاق ایستاد، در مقابل تهاجم فرهنگ غرب و شرق ایستاد و اسلام ناب و اسلام فقهاتی را ترویج کرد، لذا کسانی که با این چیزها مخالف بودند، او را بر زمین انداختند. اگر دستشان می‌رسید، هر کسی را هم که شبیه مطهری و کوچک‌تر از مطهری و در راه مطهری بود، بر زمین می‌انداختند؛ اما خدای متعال به آن‌ها این فرصت را نداد و ان‌شاءالله هرگز هم نخواهد داد.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۲/۲/۱۵



• فرهنگ غالب، ملت غالب

در زمینه‌های فرهنگی هم عرض کنم: این دیگر مخصوص ما نیست. همه‌ی ملت‌های زنده‌ی دنیا، بر این متفقند که اگر ملتی اجازه داد فرهنگ ملی‌اش پایمال تهاجم فرهنگ‌های بیگانه شود، آن ملت از دست رفته‌است. ملت غالب، ملتی است که فرهنگش غالب است. غلبه‌ی فرهنگی است که می‌تواند غلبه‌ی اقتصادی و سیاسی و امنیتی و نظامی و همه چیز را هم با خود به دنبال بیاورد.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری ۱۳۷۲/۵/۱۲



• الالمقین

اگر می‌بینید که مسأله‌ی «تهاجم فرهنگی» یا «شبیه‌خون فرهنگی» یا «قتل عام فرهنگی» در این کشور به شدت از طرف دشمن دنبال می‌شود؛ اگر می‌بینید که تبلیغات دشمن در همه جای دنیا روی جمهوری اسلامی بیش از جاهای دیگر متمرکز است و اگر می‌بینید که دائم تلاش می‌کنند ذهن ملت - به خصوص جوانان و مؤمنین - را در داخل جمهوری اسلامی تصرف کنند، به همین سبب است. دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب‌پذیر است. می‌گویند: «هر انسانی، قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، می‌توان فاسدش کرد.» البته راست می‌گویند؛ با یک استثنا: «الالمقین». متقین را نمی‌توان فاسد کرد. آن‌ها این را؛ یعنی معنای تقوا را دیگر نمی‌فهمند ...

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران ۱۳۷۳/۱۰/۱۵



• شما چرا مثل ما زندگی و رفتار نمی‌کنید؟!

هر ملتی، عادت و فرهنگی خاص و باید و نبایدی دارد که معمولاً برطبق نیازها شکل می‌گیرد. امروز در دنیا متأسفانه این عادت زشت وجود دارد که سردمداران و قدرتمندان نظامی و مالی دنیا - یعنی همین قدرت‌های استکباری عالم - همه‌ی ملت‌های دنیا را مورد اهانت قرار می‌دهند که «شما چرا مثل ما زندگی و رفتار نمی‌کنید؟!» مسأله‌ی تهاجم فرهنگی که بنده بارها بر آن تکیه کرده‌ام، یک بخش عمده‌اش مربوط به همین قضیه است.

فرهنگ غربی‌ها، درست یا نادرست، مال خودشان است. قانع نیستند به این‌که ملت‌های دیگر به آن‌ها بگویند «فرهنگ شما مال خودتان باشد. ما به شما اعتراضی نمی‌کنیم که این‌گونه زندگی می‌کنید، لباس می‌پوشید، رفتار می‌کنید و چنین خلقیاتی دارید.» می‌گویند: «ملت‌های دیگر باید مثل ما رفتار کنند و لباس بپوشند.» اگر فردی در مجامع جهانی و رسمی شرکت کند، فرضاً فلان چیز را به گردنش نبسته باشد، از نظر غربی‌ها و سردمداران آن‌ها و فرهنگ غربی، کار او مطرود است. «آقا؛ چرا شما این را نمی‌بندید؟» خوب؛ یک ملت دیگر، متقابلاً، از آن‌ها سؤال می‌کند: «شما چرا می‌بندید؟» همان‌طور که شما آن‌گونه پسندیدید، آن‌گونه خواستید، آن‌گونه لباس می‌پوشید، آن‌گونه مد دارید؛ هر ملتی هم برای خودش - فارغ از درستی و نادرستی - فرهنگ، آداب، عادات، عقاید و رسومی دارد.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۴/۱/۱۳



• همچون پولاد آبدیده

ما عبادات فردی، عبادات اجتماعی و عبادات سیاسی داریم؛ عبادات ناب و خالص داریم که مربوط به نیمه شبهاست، مال هنگام دعا و مناجات و هنگام سخن گفتن با خدا و تضرع است. هر کدام از این‌ها یک درجه است. هر کدام از این‌ها، شما را مثل پولاد آبدیده محکم می‌کند؛ این جوانان را مستحکم می‌کند؛ آنها را خلل‌ناپذیر و در مقابل نفوذ شیطان، نفوذ دشمن، نفوذ عوامل فساد و در مقابل تهاجم فرهنگی، آسیب‌ناپذیر می‌کند.

بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۷۵/۱۰/۱۹



• جنگ با جمود

بلاشک جمود و تحجر هر جا باشد، یک مشکل است و راه از بین بردنش هم این است که شما دانشجویان هر چه می‌توانید به کیفیت فکری خودتان در زمینه‌ی دانش و معرفت بیفزایید. هریک نفر از شما، وقتی که اهل دانش، فرهنگ، فرزانی، روشن‌فکری و فرهیختگی است، می‌تواند این مفاهیم را در عمل گسترش دهد؛ یعنی درست نقطه‌ی مقابل جو جمود و تحجر. اگر بخواهیم با جمود بجنگیم، جنگ با جمود این‌گونه است؛ یعنی جنگ فرهنگی است. جنگ با جمود، جنگ شمشیری نیست؛ چون از مقوله‌ی فرهنگ است. تحجر و جمود هم نوعی فرهنگ است؛ منتها فرهنگ بسته! بایستی با روش‌های فرهنگی با آن مقابله کرد. به نظر من، دانشجویان می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران ۱۳۷۷/۲/۲۲



• دشمن درونی، خطری بالقوه

تا دشمن بیرونی در مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی فعال است، خطر سر برآوردن آن دشمن درونی نیز همواره هست و مسئولان نظام اسلامی در ایران، این را خطری بالقوه بزرگ و جدی می‌شمارند. آنچه ما آن را تهاجم فرهنگی دشمن می‌نامیم و پیوسته مردم هوشیار خود و بیش از همه جوانان را به مجاهدت در برابر آن فرامی‌خوانیم، همانا کوشش همه‌جانبه‌ی دشمنان ما با استفاده از همه‌ی ابزارهای تبلیغی و خبری و سیاسی و امنیتی برای برانگیختن همین دشمن درونی است.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج ۱۳۷۷/۱۲/۲۸



• موثرترین حربه علیه تهاجم و شبیخون

مردم را هدایت کنید؛ ذهن مردم را روشن کنید؛ مردم را به فراگرفتن دین تشویق کنید؛ دین صحیح و پیراسته را به آنها تعلیم دهید؛ آنها را به فضیلت و اخلاق اسلامی آشنا کنید؛ با عمل و زبان، فضیلت اخلاقی را در آنها به وجود آورید؛ مردم را موعظه کنید؛ از عذاب خدا، از قهر خدا، از دوزخ الهی بترسانید؛ انذار کنید - انذار سهم مهمی دارد؛ فراموش نشود - آنها را به رحمت الهی مژده دهید؛ مؤمنین و صالحین و مخلصین و عاملین را بشارت دهید؛ آنها را با مسائل اساسی جهان اسلام و با مسائل اساسی کشور آشنا کنید. این می شود آن مشعل فروزانی که هر یک از شما عزیزان این مشعل را در هر جا روشن کنید، دل ها روشن خواهد شد؛ آگاهی به وجود خواهد آمد؛ حرکت به وجود خواهد آمد؛ ایمان عمیق خواهد شد. موثرترین حربه علیه این تهاجم فرهنگی و شبیخون نامردانه ی دشمن همین است؛ از این به شدت نگرانم. می خواهند نگذارند که روحانیون جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوش فکر، در محیط های مختلف - در محیط دانشگاه، در محیط بازار، در محیط روستا، در محیط شهر، در محیط کارگاه - کار خودشان را انجام دهند. درست نقطه ی مقابل کار آنها، همین کار و مجاهدت فی سبیل الله شماسست که با اتقان و با دقت و بالاتر از همه با اخلاص انجام گیرد: «لَم یکن منافسة فی سلطان ولا التماس شیء من فضول الحطام».

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۸/۱/۲۳



• مجاهدت بهترین فرزندان یک ملت

هیچ ملتی و کشوری بدون مجاهدت بهترین فرزندان نتوانسته‌است از شر سلطه‌ی بیگانگان که زشت‌ترین خفت و خواری برای یک ملت است، خود را نجات دهد. امروز هم مجاهدت جوانان و برگزیدگان در میدان‌های دیگر لازم است: در میدان علم و معرفت، در عرصه‌ی تلاش برای خودسازی معنوی و اخلاقی، در صحنه‌ی مجاهدت فرهنگی، در رساندن پیام نجات‌بخش انقلاب به دل‌های مشتاق، در ایجاد امید و مبارزه با دیو یأس، در مبارزه با تبلیغات دشمنان مستکبر، در استوار کردن وحدت ملی و نزدیک کردن دل‌ها به یکدیگر.

پیام به مناسبت برگزاری مراسم معنوی میهمانی لاله‌ها ۱۳۷۸/۱۱/۱۴



• استفاده حداکثری از آنچه در اختیار داریم

امروز دشمن از همه‌ی روش‌ها استفاده می‌کند. امروز صدها سایت اصلی و هزاران سایت فرعی در اینترنت وجود دارد که هدف عمده‌شان این است که تفکرات اسلامی و به خصوص تفکرات شیعی را مورد تهاجم قرار دهند. تهاجم هم تهاجم استدلالی نیست؛ از روش‌های تخریبی و از روش‌های روانشناسانه و غیره استفاده می‌کنند. همه‌ی اینها پاسخ دارد؛ پاسخ‌هایش هم مشکل نیست؛ بایستی از این وسایل استفاده کرد. باید از آنچه که در اختیار داریم، حداکثر استفاده را بکنیم. ما نه از صدا و سیمای مان، نه از مطبوعاتمان و نه از بسیاری از منابع عظیم عمومی مان، چنان که باید و شاید، استفاده نمی‌کنیم. این ضعف‌های ماست؛ این ضعف‌ها را بایستی کم کنیم. باید روزبه‌روز نقاط ضعف را کم و نقاط قوت را زیاد کرد و این ممکن است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۷۹/۱۱/۲۷



• همه جای دنیا با این فکر مخالفند

در دنیا تهاجم فرهنگی علیه انقلاب، از تهاجم سیاسی و اقتصادی سریع‌تر و همه‌گیرتر و همه‌جایی‌تر بود. انواع و اقسام کارها را کردند؛ چقدر علیه اسلام و انقلاب و مبانی اسلامی و مبانی شیعی، که فکر می‌کردند در پدید آمدن این انقلاب نقش داشته، فیلم ساختند - که امروز آن را به رایانه و اینترنت هم کشانده‌اند - و همه‌ی کارهایی را که می‌توانستند، انجام دادند؛ برای این‌که جلو این سخن نو را - یعنی این‌که باید قدرت سیاسی در کشور در دست انسان‌های پرهیزگار و عادل باشد و شرط این اقتدار سیاسی، پرهیزگاری و عدالت باشد - بگیرند. این سخن نو چیزی است که هر صاحب قدرتی را در دنیا تکان می‌دهد و هر دستگاهی را که از قدرت، انتفاع مادی می‌برد، دچار وحشت می‌کند. لذا همه جای دنیا با این فکر مخالفند.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۷۹/۱۱/۲۷



• تفکر و ذائقه‌ی ترجمه‌ای

این مسأله‌ی تهاجم فرهنگی‌ای که ما مطرح کردیم، بعضی کسان به‌شدت از آن آزرده شدند و گفتند چرا می‌گویید تهاجم فرهنگی؟! در حالی که تهاجم فرهنگی، وسط میدان مشغول مبارز طلبیدن است، بعضی کسان سعی کردند آن را در گوشه و کنار پیدا کنند! این تهاجم فرهنگی، مخصوص برخی از پدیده‌های ظاهری و سطحی نیست؛ مسأله این است که یک مجموعه‌ی فرهنگی در دنیا با تکیه به نفت، حق و تو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی می‌خواهد همه‌ی باورها و چارچوب‌های مورد پسند خودش برای ملت‌ها و کشورهای دیگر را به آن‌ها تحمیل کند. این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه‌ی ترجمه‌ای دچار می‌شود. فکر هم که می‌کند، ترجمه‌ای فکر می‌کند و فرآورده‌های فکری دیگران را می‌گیرد. البته نه فرآورده‌های دست اول؛ فرآورده‌های دست دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای را که آن‌ها برای یک کشور و یک ملت لازم می‌دانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق می‌کنند و به عنوان فکر نو با آن ملت در میان می‌گذارند. این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگ‌تر و سخت‌تر است.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹



• کاری ترین ابزار غرب

دشمن مستکبر که بیداری امت اسلامی، تهدیدکنندهی مطامع و منافع نامشروع اوست، مهم‌ترین سلاحی که در برابر این موج فزاینده در دست دارد، سلاح روانی است: نومیدسازی، تحقیر هویت، به رخ کشیدن قدرت و تمکّن مادی خویش. امروز و در آینده هزاران ابزار تبلیغی به کار افتاده و خواهد افتاد که مسلمانان را از آیندهی درخشان نومید و یا به آینده‌ای که منطبق با نیات پلید خود آنان است ترغیب کنند. این جنگ فرهنگی و روانی از آغاز دوران استعمار تاکنون، کاری‌ترین ابزار غرب در سلطه‌گری‌اش بر کشورهای اسلامی بوده است. آماج این تیر زهرآلود، نخست نخبگان و روشن‌فکران و سپس توده‌ی مردم‌اند. مبارزه با این ترفند جز با روی‌گردانی از فرهنگ تحکّم‌آمیز و تحمیلی غرب ممکن نیست. فرهنگ غربی باید به‌وسیله‌ی نخبگان و روشن‌فکران، پالایش شود. عناصر مفید آن جذب، و اجزاء زیانبار و مخرب و فسادانگیز آن از ذهن و عمل جامعه‌های اسلامی طرد شود. معیار در این پالایش بزرگ، حکمیت فرهنگ اسلامی و اندیشه‌های بارور و راه‌گشا و هدایت‌گر قرآن و سنت است. این یک‌فصل اساسی از مبارزه‌ی همه‌جانبه و خوش‌عاقبتی است که علمای دینی و روشن‌فکران و نخبگان سیاسی در سراسر جهان اسلام بر عهده دارند.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج ۱۴۲۹/۱۲/۱۲



• وادادگی مدیران عامل انحراف دستگاه‌های فرهنگی

من هفت، هشت سال پیش، مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح کردم؛ اما خیلی‌ها با این قضیه برخورد تنیدی کردند و گفتند تهاجم فرهنگی چیست؛ در حالی که یک واقعیت بسیار مهم، حساس و خطرناک است. غربی‌ها سعی می‌کنند عرف‌های فرهنگی خودشان را بر کشورهای مختلف تحمیل کنند. یک مدیر اگر در مقابل این‌ها حالت وادادگی پیدا کرد، همین چیزهایی که پیش آمده، پیش می‌آید. وادادگی مدیران، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین و مضرترین عواملی است که دستگاه‌های فرهنگی را به انحراف می‌کشاند. وقتی که دستگاه فرهنگی منحرف شد، نتیجه‌اش در بیرون معلوم می‌شود.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲



• جنگ فرهنگی کار زبندگان

امروز در کشور ما ارزش‌های غربی به صورت قانونی و رایج وجود ندارد. امروز دادن منافع کشور به بیگانگان، در کشور ما یک امر مذموم محسوب می‌شود. امروز سفره‌ای را که با هزاران طمع در این کشور پهن کرده بودند بخصوص آمریکایی‌ها جمع شده می‌بینند. این برای مراکز قدرت و تسلط جهانی، خسارت کمی نیست. برای برگرداندن اوضاع به صورت قبلی چه کار کنند؟

اوایل انقلاب ناشیانه آمدند و جنگِ روبه‌رو راه انداختند؛ ولی وقتی بینیشان به خاک مالیده شد، فهمیدند راهش این نیست. لذا به جنگ فرهنگی متوسل شدند. جنگ فرهنگی کار آسانی نیست؛ کار زبندگان است. لذا زبندگان می‌نشینند فکر می‌کنند و نسخه می‌نویسند و متأسفانه عده‌ای هم در داخل همان‌ها را رله می‌کنند! آن‌ها حرف‌هایی را می‌زنند، عده‌ای هم فارسی آن را می‌گویند و شکل بومی به آن حرف‌ها می‌دهند! باید مراقب این‌ها بود.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲



• ترویج اباحیگری اعتقادی و عملی

یکی از مسائلی که دشمن به طور جدی در کشور تبلیغ می‌کند، مسأله‌ی اباحیگری است. اباحیگری اعتقادی و عملی، یعنی پایبندی‌ها و تقیدات و تکیه‌گاه‌هایی که یک انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخصی عازم و مصمم می‌کند، از او گرفتن و او را سرگردان و لنگ کردن. این را باید جدی بگیرید. یکی از سیاست‌های دشمنان اسلام این است که ایمان مردم را بگیرند و اعتقاد آن‌ها به انقلاب را سلب کنند. چند سالی است که این را در تبلیغات شان شروع کرده‌اند... انقلابی که ملت‌های مسلمان را به اسلام شان امیدوار و به هویت اسلامی شان دلگرم کرد؛ ... دشمنان می‌خواستند پیام آزادی، معنویت، ارزش و فضیلت و کرامت انسانی‌ای را که در این انقلاب بود، ندیده بگیرند. این کاری بود که به صورت برنامه‌ریزی شده و با انواع و اقسام طرق تبلیغاتی، آن را دنبال کردند. البته - متأسفانه - یک عده غافل، به صورت پادو در داخل هم همان‌ها را تبلیغ کردند و هنوز هم می‌کنند. این برای آن است که پشتوانه‌ی فکری - که در واقع تکیه‌گاه اراده و عزم راسخ مردم است - از آن‌ها گرفته شود و مردم احساس کنند پشت‌شان خالی است. مگر بدون ایمان و اعتقاد و بدون باور به راهی که انسان در آن قدم گذاشته، می‌شود آن راه را ادامه داد؟ همه باید مسائل فرهنگی را جدی بگیرند. مظهر این تهاجم، همان اباحیگری است که از راه خدشه در اعتقادات، تشویق جریان‌های خلاف اخلاق در جامعه و تشویق و ترویج انواع و اقسام فسادها ایجاد می‌شود. این‌ها چیزهایی است که همه‌ی مسئولان کشور باید به آن بسیار توجه کنند و فقط مخصوص مسئولان فرهنگی نیست.

بیانات در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری سال هشتاد ۱۳۸۰/۵/۱۱



• جوانان، نخستین آماج شبیخون فرهنگی

دل بی‌آلایش جوان، هنگامی که با نور ایمان و فروغ اندیشه‌ی عالمانه روشن شود گنجینه‌ای الهی است که فرآورده‌های آن، امروز و فردای کشور را بهره‌مند می‌سازد. در مرحله‌ی کنونی، آنچه می‌باید پس از تحصیل علم، در صدر فعالیت‌های دانشجویی قرار گیرد، ارتقاء فکری دانشجویان در زمینه‌ی فرهنگ و سیاست است.

امروز هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که فوری‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی در کشور است. آنان درصددند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلی‌ترین عامل ایستادگی ملت ایران در برابر نظام سلطه‌ی استکباری است، از ذهن‌ها و دل‌ها بزدايند و باورهای سلطه‌پذیری و فرو دستی در برابر غرب را به جای آن بنشانند. تلاش آشکار از سوی واسطه‌ها و دست‌نشانندگان امپراتوری‌های زر و زور، در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی برای تردید افکنی در مبانی اسلام و انقلاب، امروز افراد دیر باور را نیز به دغدغه افکنده است و کسانی که دیروز هشدار در برابر شبیخون فرهنگی را جدی نمی‌گرفتند، امروز آن را به چشم خود می‌بینید. بی‌شک نخستین آماج این شبیخون، جوانان‌اند، به ویژه آنان که در جاده‌ی دانش و فرزانیگی قدم برمی‌دارند و آینده‌ی فرهنگی و سیاسی کشور در دست آن‌ها است.

پیام به کنگره جامعه اسلامی دانشجویان در مشهد ۱۳۸۰/۶/۱۰



• خودآگاهی لازمه‌ی مبارزه با تهاجم فرهنگی

سال‌ها پیش، من یک روز راجع به تهاجم فرهنگی صحبت کردم و گفتم دشمن از روزنه‌های فرهنگی به ما حمله می‌کند؛ اما متأسفانه عده‌ای این را نفهمیدند. بعضی صریح و بعضی هم در پرده گفتند فلانی به چه چیزی حمله می‌کند؟! کدام تهاجم، چه تهاجمی؟! امروز بعد از گذشت چند سال، آدم‌های دیرفهم کم‌کم می‌فهمند که تهاجم فرهنگی یعنی چه! موج حملات فرهنگی دشمن که ایمان جوانان را هدف قرار داده، حالا به چشم‌شان می‌آید و ابراز نگرانی می‌کنند! می‌بینند در همه‌ی محیط‌هایی که جوانان حضور دارند، دشمن می‌خواهد جابایی از خود به جا بگذارد و عقیده‌ی آن‌ها را به انقلاب و دین و امام برگرداند؛ حتی عده‌ای در این‌که این ملت استقلال می‌خواهد، خدشه می‌کنند! یعنی درست همان خواست دشمن؛ یعنی تهاجم فرهنگی. مسئولان کشور این خودآگاهی را لازم دارند تا بدانند دشمن از کجا حمله می‌کند. اگر فهمیدند، بیدار خواهند بود. آن‌گاه شجاعت و تقوا و پاکدامنی آن‌ها به کار این ملت خواهد آمد.

بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹



• غارت امید و ایمان و انگیزه

اکنون خط مقدم جبهه‌ی ظلم و استکبار در تهاجم به ملت انقلابی ایران و نظام جمهوری اسلامی عملی تبلیغ و بوق‌های فریب و نیرنگ است. این نیز امروزه دیگر حقیقتی آشکار است که همت زورگویان و قلدان آمریکایی بر غارت منابع نظری و معنوی و تهیدست کردن ملت ایران از این پشتوانه اقتدار خویش است. این منابع همان ایمان و امید و انگیزه‌ی ملت ایران است و جوانان نخستین آماج این غارت فرهنگی هستند. نیت دشمن آن است که با این کار هزینه‌ی تهاجم نظامی را از دوش خود بردارد و بدون آن به هدف‌های پلید خود دست یابد. اگر آنان در غارت امید و ایمان و انگیزه‌ی جوانان ما موفق شوند سلطه‌ی دوباره‌ی آمریکا بر ایران حتمی و برای آنان بی‌هزینه است.

آنچه از روح جوانی و دانشجویی انتظار می‌رود، خنثی کردن جوانانه و شجاعانه‌ی این شبیخون فاجعه‌بار است. دفتر تحکیم وحدت و دیگر مجموعه‌های دانشجویی باید این مسئولیت را به دوش خویش حس کنند. همت و اراده‌ی شما و تصمیم قاطعتان بر خسته نشدن از خباثت‌ها و حماقت‌ها، مهمترین سرمایه‌ی شما است. از خدای متعال کمک بخواهید و ارواح طیبه اولیای خدا و شهدای راه حق را به مدد بطلبید و با استقامت در این راه به پیش روید و خدا با ما است. **وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ.**

پیام به گردهمایی دفتر تحکیم وحدت ۱۳۸۱/۵/۲۷



• معدن‌های الماس و طلا

الان در همه‌ی این تشکل‌های کوچک ناشناخته و احصا نشده، جهت واحدی وجود دارد و آن مبارزه با تهاجم فرهنگی است. از بچه‌ها می‌پرسید شما می‌خواهید چه کار کنید؛ این کتاب، نمایشنامه، جزوه، بروشور و شعر را برای چه نوشتید و این انجمن را برای چه درست کردید؟ می‌گویند می‌خواهیم با تهاجم فرهنگی مبارزه کنیم. این کار خیلی مبارک است و این را دست کم نگیرید. در بین همین‌هاست که شما آن معدن‌های الماس و طلا را پیدا می‌کنید: «الناس معادن كالمعادن الذهب والفضة». بروید و آن‌ها را شناسایی و گزینش کنید و به شکل حساب شده‌ای وارد مجموعه نمایید. البته می‌توانید مجموعه را دارای دهلیزها و گردونها و گیتی‌های گوناگون کنید تا این‌ها را راحت و بی‌دغدغه وارد کنید؛ یعنی از یک قرنطینه‌ی ناآشکاری بگذرانید و بعد وارد اصل مجموعه کنید. از این کارها باید بکنید.

بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم ۱۳۸۱/۱۱/۸



• مقابله متنوع و عمیق

تهاجم فرهنگی یک مسأله‌ی بسیط نیست؛ بلکه طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که دشمن برای هدف قراردادن اعتقاد، اخلاق و فضیلت در قشرهای مختلف می‌کند، هرکدام به نحوی با وسایل و ابزارهای فرهنگی است و طبعاً مقابله با آن‌ها نیز متنوع است و نمی‌شود یک نسخه‌ی واحد برای همه‌جا نوشت ...

این را هم عرض کنم که در خیلی از این زمینه‌ها اصلاً شما نباید از بنده بپرسید که چه کار کنیم. شما خودتان جوانید، با فکر و دانشجو هستید؛ بگردید ببینید چه کار باید بکنید. خیلی تلاش و مجاهدت در زمینه‌های فرهنگی خوب می‌شود کرد؛ البته مواظب باشید عمیق باشد. کار سطحی فرهنگی مفید نیست؛ گاهی هم مضر است.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲



• مرعوب شدن در برابر تهاجم خونین و سهمگین

بزرگ‌ترین بلایی که مستقیم و غیرمستقیم در این دوپست سال دوران استعمار بر سر ملت‌های مشرق و به خصوص ملت‌های اسلامی آمد، همین بود که در مقابل تبلیغات غرب مرعوب شدند و عقب‌نشینی کردند. این تهاجم خونین و بسیار سهمگین را که سردمداران استعمار غربی از طریق فرهنگ به آن‌ها کردند، نتوانستند تحمل کنند و مجبور شدند عقب‌نشینی کنند و دست‌هایشان را بالا ببرند. در همه‌ی زمینه‌های زندگی، غربی‌ها و اروپایی‌ها فکری را پرتاب کردند که هرکس با آن مخالفت کرد، شروع کردند به هوچیگری و مسخره و اهانت کردن؛ فشار آوردند تا فرهنگ خودشان را حاکم کنند ... در تهاجم فرهنگی به شما نمی‌گویند انتخاب کن، بلکه شما را می‌خوابانند، دست و پایتان را می‌گیرند و ماده‌ای را که نمی‌دانید چیست و نمی‌دانید برای شما مفید است یا نه، با آمپول به شما تزریق می‌کنند. البته دنیای غرب نگذاشت ما حس کنیم که دست و پایمان را گرفته‌اند و به ما تزریق می‌کنند؛ صورت قضیه را طوری قرار داد که ما خیال کردیم انتخاب می‌کنیم، در حالی که انتخاب نمی‌کردیم؛ بر ما تحمیل کردند. آن وقت این‌ها همان کسانی هستند که اگر اندک خدشه‌ای به فرهنگ رایج و مورد قبول شان وارد شود، جنجال راه می‌اندازند. شما ببینید در فرانسه که آن را مهد آزادی می‌دانند، برای سه چهار دختر روسری‌دار مسلمان چه سر و صدایی راه انداخته‌اند! این است که می‌گوییم باید فکر کنیم؛ باید تحلیل کنیم.

«اندیشه‌ی ترجمه‌ای» برای یک ملت، سرنوشت بسیار سختی را به وجود می‌آورد. این توصیه‌ی همیشگی من به شما جوانان عزیز است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۶



• فرهنگ ستون فقرات حیات و هویت یک ملت

فرهنگ مایه‌ی اصلی هویت ملت‌هاست. فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفت‌هایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته‌ای در مجموعه‌ی بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند.

من به حوادث دوران استعمار که نگاه می‌کردم ... می‌دیدم هر جا که این‌ها وارد شده‌اند، اگر این توانایی را پیدا کرده‌اند که فرهنگ آن ملت را مضمحل کنند و تحت تأثیر قرار دهند و تضعیف کنند، پایه‌های قدرتشان در آن جا مستحکم شده و اگر در جایی فرهنگ ملی و بومی به‌خاطر کهنسال بودن، ریشه‌دار بودن و برجسته بودن مضمحل نشده و از بین نرفته، استعمارگرها و اشغالگرها نتوانسته‌اند مدت زیادی از آن جا منافع خودشان را تأمین کنند و ناچار شدند که آن منطقه را رها کنند. این در مورد همه‌ی جهانگشایی‌ها و کشورگشایی‌های دوران‌های گذشته‌ی تاریخ هم - که ما در تاریخ می‌خوانیم - صادق است. آن کشورگشاهایی نتوانسته‌اند در سرزمین‌های گشوده شده‌ی با شمشیر، با زور پایدار بمانند و مقاصد و سلطه‌ی خودشان را در آن سرزمین‌ها اعمال کنند، که نتوانسته باشند فرهنگ آن کشور را در مشّت و در اختیار بگیرند. حالا گاهی یک فرهنگ را ریشه‌کن می‌کنند؛ مثل این که زبان یک کشور را به کل از بین می‌برند. ... فرهنگ ستون فقرات حیات یک ملت و هویت یک ملت است.

بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۲/۲۸



• تهاجم به هویت ملی و دینی

کسانی که رژیم پهلوی را روی کار آوردند، هیچ کدام از شاخصه‌های ملیت را حاضر نبودند تحمل کنند. البته ملیت ما از اول با اسلام آمیخته بود؛ زبان‌مان، آداب‌مان، دانش‌مان و دانشمندان‌مان با اسلام آمیخته بودند. در تاریخ می‌بینید که دانشمندان برجسته و نام‌آور و ماندگار ما کسانی هستند که دانش دین را در کنار دانش‌های معمولی زندگی دارا بودند؛ یعنی همه‌ی دانش‌ها از مجموعه‌ی دین برآمده است. البته این به آن معنا نیست که طلاب مدرسه‌ی دینی این خصوصیت را داشتند؛ نه، جامعه، جامعه‌ی دینی بود. فرهنگ ما، دانش ما، رفتار ما و سنت‌های ما با دین آمیخته است و بسیاری از آن‌ها از دین سرچشمه گرفته است. وقتی با هویت ملی و شاخصه‌های آن مبارزه می‌کردند، قهراً مبارزه‌ی با دین جزویش بود و چون دین و ایمان پشتوانه‌ی همه‌ی ارزش‌های انسانی است، طبعاً با ایمان هم بشدت مخالفت می‌کردند. اینها حاضر نشدند قبول کنند که ما حتی لباس محلی داشته باشیم. ما ایرانی‌ها با چند هزار سال سابقه، لباس بومی نداریم و لباس محلی و بومی‌مان را نمی‌شناسیم، در حالی که خیلی از کشورهای دیگر دنیا دارند. البته لباس بومی، مانع پیشرفت هم نیست؛ اما ما نداریم؛ چون آن‌ها نگذاشتند. این، عمل به همان توصیه‌ی بی است که می‌گفت ایرانی باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شود! ببینید خودباختگی تا کجا. این که من همیشه می‌گویم تهاجم فرهنگی، تهاجم فرهنگی این است.

بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما ۱۳۸۲/۲/۲۸



• سرمایه معنوی دچار شبیخون نشود

دشمنان ما بیش از آن که به منابع طبیعی ما چشم طمع داشته باشند، به منابع انسانی - که منابع قدرت ما هستند - چشم طمع دارند. آن‌ها می‌دانند اگر این سرمایه‌های اجتماعی از دست یک ملت گرفته شود، اگر یک ملت غیرت ملی و ایمان و وحدت و همبستگی خود را از دست بدهد، اگر نشاط کار و ابتکار را از دست بدهد، اگر حرکت علمی رو به پیشرفت خود را از دست بدهد، کاملاً در دسترس دشمنان قرار خواهد گرفت؛ می‌توانند راحت به او زور بگویند، می‌توانند بر او سلطه پیدا کنند، می‌توانند منابع طبیعی و مادی او را هم غارت کنند. آنچه سد مستحکمی در مقابل دشمنان قرار می‌دهد، همین سرمایه‌های معنوی است که باید مراقب باشیم دچار شبیخون نشود.

من متأسفانه کسان بسیاری را دیده‌ام که در صحنه‌ی سیاسی و عرصه‌ی فرهنگی ادعا دارند که برای ملت کار می‌کنند؛ اما از این سرمایه‌ها محافظت نمی‌کنند. شما دیدید که در بعضی از روزنامه‌های ما علیه مجاهدت، ایثار، فداکاری، شجاعت و ایمان قلم‌فرسایی کردند. این‌ها به نفع کیست؟ به نفع دشمن است؛ به نفع ملت ایران نیست. ملت را از ایمانش تهیدست بکنند؛ مثل این است که زره را در میدان جنگ از تن او بیرون آورده‌باشند. اگر مردم یک کشور را از غرور ملی و احساس مناعت و ایستادگی و استقامت تهیدست کنند، آن‌ها را در مقابل دشمن خلع سلاح کرده‌اند؛ این‌ها سلاح معنوی دشمن است. نباید کسانی جهاد و شهادت را تحقیر و باورهای دینی مردم را انکار کنند و مورد تشکیک قرار دهند. نباید دستاوردهای انقلاب را کوچک بشمرند و تحقیر کنند.

بیانات در دیدار مردم استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۵



• تامین امنیت فرهنگی

یک بخش دیگر، امنیت فرهنگی و امنیت اخلاقی است. مردم به جوانان و به فرزندان خود علاقه‌مندند و از این‌که آنها دچار اعتیاد بشوند، دچار فساد اخلاق بشوند، دچار وسوسه‌هایی بشوند که آن‌ها را از مسیر درست زندگی دور بیندازد، نگرانند؛ این نگرانی و دغدغه را چه کسی برطرف می‌کند؟ چه چیزی برطرف می‌کند؟ امنیت فرهنگی. امنیت فرهنگی را هم در بخش عظیمی، نیروهای بسیج؛ نیروهای مؤمن؛ جان بر کف؛ تأمین می‌کنند.

ترکیب نیروهای مسلح در کشور ما یک ترکیب منطقی و عالی است. ارتش در جای خود، سپاه در جای خود، بسیج در جای خود، نیروی انتظامی در جای خود؛ هر کدام با وظایف مشخص مشغول کارند و محصول همه‌ی این‌ها عبارت است از امنیت کشور و آن وقتی که دشمن قصد تهاجم داشته باشد - چه تهاجم فرهنگی، چه تهاجم شهری و شهروندی، چه تهاجم از بیرون مرزها - حضور این نیروها برای این ملت مایه‌ی افتخار است؛ مایه‌ی سربلندی و عزت است.

بیانات در مراسم مشترک یگان‌های نظامی استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۵



• تقویت خود باوری و اعتماد بنفس ملی

دیگران یک حرکت ابلهانه‌ی دیوانه‌واری مثل گاو بازی در خیابان‌هایشان راه می‌اندازند، تلفات جانی می‌دهند، خودشان را مسخره می‌کنند؛ اما افتخار هم می‌کنند که این سنت ملی ماست! کار، غلط است؛ اما خود باوری خوب است؛ خجالت نمی‌کشند. حالا فرض بفرمایید اگر ما یک سنت اسلامی داریم که منطقی هم برایش داریم و آن را هم پذیرفته‌ایم، نبایستی در انجام دادن آن خجالت بکشیم. ... در ارزش‌های اخلاقی: مبارزه‌ی فرهنگی دائم با خود باختگی مزمن و تحمیلی که چند ده سال بر این کشور تحمیل شده. بزرگان و پرچم‌داران فرهنگ و سیاست در این کشور، در یک مقطع زمانی و با صدای واحد، با وقاحت تمام گفتند که ایرانی صفر محض است! و اگر بخواهد معنا پیدا کند، باید برود کنار فرهنگ فرنگی. اولین پیشروان قافله‌ی روشن فکری کشور ما و معروف‌ترین سیاستمداران دوران قاجار و پهلوی، این حرف را صریحاً گفتند، بعضی‌ها هم که نگفتند، این طوری عمل کردند و این شد یک بیماری مزمن در جامعه‌ی ما؛ بایستی با این مبارزه کرد.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۳/۲۹



• بکارگیری روش‌های جدید در برابر تهاجم فرهنگی

عزیزان من! امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید ارتباطی خیلی جدی است؛ صدها وسیله و راهرو اطلاعات به سمت فکر جوان و نوجوان ما وجود دارد؛ از انواع شیوه‌های تلویزیونی و رادیویی و رایانه‌ای و امثال این‌ها دارند استفاده می‌کنند و همین‌طور به صورت انبوه، افکار و شبهه‌های گوناگون را در آن‌ها می‌ریزند. باید در مقابل این‌ها ایستاد. امروز نمی‌شود به همان روش‌های قدیمی خودمان اکتفا کنیم؛ البته که جوان نمی‌آید. جوان را باید بشناسید؛ فکر او را باید بشناسید؛ آنچه را که به او هجوم آورده، باید بشناسید تا میکروب و بیماری را شناسید که علاج نمی‌توان کرد. این‌ها همه ملایی می‌خواهد. درس خواندن، مطالعه کردن و کار کردن، که همه‌ی این‌ها زیر عنوان مهارت‌های دینی خلاصه می‌شود.

بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۷



• وحدت دنیایی اسلام در برابر تهاجم همه جانبه

امروز دنیای اسلام با تهاجم سیاسی و فرهنگی و تبلیغاتی همه‌جانبه‌ی دشمنان اسلام مواجه است. این نکته را باید در همه‌ی جهان اسلام، همه‌ی آحاد مردم، به خصوص نخبگان، به خصوص روشنفکران، علمای دین، افراد برجسته‌ی سیاسی غفلت نکنند. امروز تهاجم علیه اسلام و مقدسات مسلمانان همه‌جانبه است و این نه به خاطر این است که دشمن قوی شده است، به خاطر این است که دشمن در مقابل حرکت عظیم اسلامی احساس ضعف می‌کند؛ لذا به انواع جنگ‌های روانی، تهاجمات گوناگون، ترساندن ملت‌ها و کشورهای مسلمان از یکدیگر و تبلیغات علیه یکدیگر متوسل می‌شود. راه این است که دنیای اسلام وحدت خود را حفظ کند. من بار دیگر برای صدمین بار، هزارمین بار، از زبان ملت ایران خطاب به همه‌ی برادران مسلمان در اکناف عالم عرض می‌کنم: اتحاد خودتان را حفظ کنید، مبدا بازیچه‌ی دست دشمنان مشترکی بشوید که به عنوان قومیت عرب و عجم، به عنوان مذهب شیعه و سنی، به عناوین گوناگون دیگر، می‌خواهند بین شما اختلاف بیندازند. آن‌ها نه دوست شیعه هستند، نه دوست سنی؛ آن‌ها دشمن اسلامند. برای اینکه اسلام را تضعیف بکنند، یکی از راه‌هایشان همین است که این‌ها را به جان هم بیندازند؛ کشورها را از همدیگر بترسانند. اینجا که علم اسلام برافراشته شده‌است، سعی کنند کشورها و دولت‌ها را از نظام اسلامی، از جمهوری اسلامی با انواع دروغ‌ها و فریب‌ها بترسانند. ما همه با هم برادریم.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۷/۷/۱۰



• این را استکبار فهمیده است

امروز ملت ما در مقابل خود یک جبهه‌ی گسترده‌ای را ملاحظه می‌کند که با همه‌ی توان خود درصدد این است که انقلاب اسلامی را از خاصیت و اثر ضد استکباری ببندازد ... یک وقت یک نظام متکی به ایمان‌های مردم است، متکی به دل‌های مردم، به پشتیبانی عمیق مردم است، این نظام را نمی‌شود تکان داد. این را استکبار فهمیده است ... آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید از محتوای نظام هر چه می‌توانند کم کنند. این تهاجم فرهنگی که بنده چند سال قبل گفتم، این شبیخون فرهنگی که انسان در بخش‌های مختلف علائم آن را مشاهده می‌کرد و امروز هم انسان آن را در بخش‌های مختلفی می‌بیند، به این نیت است؛ با این قصد است؛ انقلاب را از محتوای خود، از مضمون اسلامی و دینی خود، از روح انقلابی خود تهی کنند و جدا کنند. این، از همان نقاط حساسی است که هوشیاری مردم را می‌طلبد.

بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۷/۱۱/۲۸



• من از همه ملت ایران می‌خواهم

امروز ملت ایران به آن رتبه‌ای از اقتدار رسیده که خطرپذیری دشمنان خود را بسیار بالا برده، جرئت نمی‌کنند به این ملت تهاجم نظامی کنند؛ می‌دانند سرکوب خواهند شد؛ می‌دانند که این ملت مقاوم است. بنابراین خطر تهاجم نظامی بسیار پایین است؛ اما تهاجم فقط تهاجم نظامی نیست. دشمن به آن نقاطی متوجه می‌شود که پشتوانه‌ی استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی را هدف قرار می‌دهد. دشمن روحیه‌ی صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار می‌دهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناک‌تر است.

در تهاجم نظامی شما طرفتان را می‌شناسید، دشمنان را می‌بینید؛ اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی‌بینید. هوشیاری لازم است. من از همه‌ی ملت ایران به خصوص از خانواده‌های شهیدان و از همه‌ی شما عزیزان، به خصوص از جوان‌ها خواهم می‌کنم با هوشیاری کامل مرزهای فکری و روحی را حراست کنید. نگذارید دشمن مثل موربانه‌ای به جان پایه‌های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آن‌ها را دچار رخنه کند؛ این مهم است. همه وظیفه داریم مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲



• فکر و دل جوان

آنچه که به نظر بنده در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، فکر و دل مخاطبان شماست؛ اولاً فکر، ثانیاً دل. فکر به معنای این است که بایستی بنیه‌ی اعتقادی این جوان را تقویت کنید. جوان در معرض تحویل و تحول است، در معرض تغییر است. مؤثرات، امروز حجم خیلی زیادی در دنیا دارد. بنیه‌ی فکری جوان را باید جواری تقویت کنید که نه فقط متأثر از عوامل سلبی و معارض و معاند نشود، بلکه بتواند بر روی محیط خود اثر هم بگذارد؛ باید بتواند نورافشانی کند، محیط خودش را با مبانی و معارف اسلامی آشنا کند، در این راه پیش قدم باشد، نیروی پیشرو باشد. از لحاظ فکری بایست یک چنین حالتی پیدا کند. ... با نصیحت، با موعظه‌ی حسنه، با رفتار خوب، باید دل جوان را نرم کرد؛ او را به خشوع و توسل و توجه و تذکر آشنا کرد؛ نماز را برای او درست تبیین کرد؛ ذکر الهی را برای او درست تبیین کرد. این می‌شود پشتوانه‌ی آن فکر. اگر این شد، آن وقت آن استقامت فکری دیگر بی‌زوال خواهد بود.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در بیست و هفتمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم ۱۳۸۹/۴/۲۴



• کونوا دعاء الناس بغير السنتکم

این کارِ اردوهای هجرت و حرکت عظیم بسیج سازندگی یکی از برکاتش خدمت‌رسانی است که میلیون‌ها نفر از این خدمت شما به صورت مستقیم بهره‌مند می‌شوند. از لحاظ مادی، از لحاظ امور روزمره‌ی زندگی، از لحاظ معنوی و هدایت، بهره‌مند می‌شوند. شما اگر درس قرآن هم آنجا ندهید، خود حضور یک جوان مؤمن و متدین و متشرع در یک مجموعه‌ی روستائی، در بین جوانان، در بین مردم، مظهر مجسم آیه‌ی قرآن است؛ آنها را به دین، به انقلاب، به معنویت، سوق‌میده «کونوا دعاء الناس بغير السنتکم» شما با عمل خودتان مردم را به ایمان، به اسلام، به دین دعوت می‌کنید. این خدمت‌رسانی است. خدمت‌رسانی مادی و خدمت‌رسانی معنوی.

بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱



• شما دل ها را زنده می کنید

وقتی شما در یک محیطی حاضر می شوید؛ در کویر، در کوهستان، در نقاط دور از دسترس، در میان مردم محروم مشغول کار می شوید، جوانی که در آنجاست، از شما الهام می گیرد و شما می شوید سفیر تلاش و کار و خدمت و جهاد و مجاهدت. «من احياء فكنا احياء الناس جميعاً» شما دل ها را زنده می کنید؛ فایده ی بزرگی است. فواید فراوانی در این کار هست. این جریان عظیم را حفظ کنید.

بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱



• کارهای سطحی نکنید

به کارهای سطحی نباید اکتفاء کرد. به کارهای عمیق‌تر، کارهای بنیانی‌تر، کارهایی که از یکی‌شان ده‌ها کار صادر می‌شود و نشأت می‌گیرد، توجه کنید ... در باب فرهنگ باید به شدت مراقبت شود که ما به «فرهنگ مهاجم» کمک نکنیم. فرهنگ مهاجم خطرناک است. اگر ما فرهنگ عمومی کشور و فرهنگی که نخبگان و مردم و قشرهای گوناگون را به سمت یک هدفی هدایت می‌کند، نتوانیم از آسیب دشمن محفوظ بداریم، کار خیلی مشکل خواهد شد؛ هرچه هم شما تصمیم بگیرید، این‌ها می‌آیند خرابش می‌کنند و جور دیگری منعکس خواهد شد.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۱/۶/۲



• دچار غرور و غفلت نشوید

البته ما باید مغرور نشویم. من در کنار ذکر این حماسه‌ها، این را هم باید عرض کنم که به خود مغرور شدن و غفلت کردن از کید و مکر دشمن، خطرات بزرگی دارد. نباید مغرور شد. بنده به مسئولین همیشه توصیه می‌کنم، می‌گویم قوی باشید، اما دشمن را هم ضعیف ننگارید. نباید از دشمن غفلت کرد. دشمن از راه‌های مختلف وارد می‌شود؛ یک روز صحبت تحریم است، یک روز صحبت تعرض نظامی است، یک روز صحبت جنگ نرم است، یک روز صحبت تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی است. دشمن از راه‌های مختلفی وارد می‌شود؛ باید هشیار بود.

بیانات در اجتماع مردم اسفراین ۱۳۹۱/۷/۲۲



• فرهنگ غربی نابودکننده فرهنگ بومی

تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که به ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکنندهی فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجایی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آن‌ها را تغییر دادند، خط آن‌ها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌قاره‌ی هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشته‌جات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی انجام می‌گرفت. انگلیس‌ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رایج کردند... در همه‌ی کشورهایی که انگلیس‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است. ما زبان فارسی را بر هیچ جا تحمیل نکردیم. زبان فارسی که در هند رایج بود، به وسیله‌ی خود هندی‌ها استقبال شد؛ ... ما مثل انگلیس‌ها که انگلیسی را در هند رایج کردند، زبان فارسی را رایج نکردیم؛ فارسی با میل مردم، با رفت‌وآمد شاعران و عارفان و عالمان و این‌ها به طور طبیعی رایج شد؛ اما انگلیس‌ها آمدند مردم را مجبور کردند که باید فارسی حرف نزنند؛ برای فارسی حرف زدن و فارسی نوشتن، مجازات معین کردند.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳



• انفعال، خسارت بارترین کار

ما در برخورد با مسائل تهجمی، پدیده را در اول ورود، حتی قبل از ورود باید بشناسیم. فرض کنید یک چیزی، یک فکری، یک روشی در دنیا دارد رایج می شود؛ پیدا است که این اینجا خواهد آمد - خب دنیا دنیای ارتباطات است، دنیای اتصال و ارتباط است، نمی شود حصار کشید - قبل از آنکه بیاید، به فکر باشید که برخورد حکیمانه با این چیست. معنای این همیشه این نیست که ما آن را رد کنیم؛ نه، گاهی یک پدیده ای است که ما آن را می توانیم قبول کنیم، گاهی پدیده ای است که می توانیم اصلاح کنیم، گاهی پدیده ای است که می توانیم یک ذیلی برایش تعریف کنیم که آن ذیل، مشکل آن را برطرف کند. دیر جنبیدن، دیر فهمیدن، دیر به فکر علاج افتادن، این اشکالات را دارد که بعد شما دچار مشکلاتی می شوید که نمی توانید با آن ها مواجه بشوید. پس من نمی گویم که فقط موضع دفاعی داشته باشیم - البته وقتی تهاجم هست، انسان باید دفاع کند؛ شکی نیست - توصیه ای من فقط موضع دفاعی نیست؛ اما موضع اثباتی، موضع تهجمی، موضع حرکت صحیح باید داشته باشیم. به هر حال در مقابل فرهنگ مهاجم، بدترین کار، انفعال است؛ زشت ترین کار، انفعال است؛ خسارت بارترین کار، انفعال است. فرهنگ مهاجم نباید ما را منفعل بکند؛ حداکثر این است که بگوییم خیلی خب، ما در مقابل این نمی توانیم یک حرکتی انجام بدهیم، اما منفعل هم نمی شویم. منفعل شدن و پذیرفتن تهاجم دشمن، خطایی است که بایستی از آن پرهیز کرد.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۲/۹/۱۹



• یک میدان کارزار است اینجا

باید خود اعضا و دستگاه‌های فرهنگی قبول کنند و باور داشته‌باشند که ما این جایگاه را به‌عنوان یک قرارگاه مرکزی [قرار دادیم]. تعبیر «قرارگاه» ممکن است به بعضی گوش‌ها سنگین بیاید - قرارگاه یک اصطلاح جنگی است، اصطلاح نظامی است - و بگویند آقا، قرارگاه مال مسایل نظامی است، شما در مسایل فرهنگی هم فکر نظامی را رها نمی‌کنید! واقع قضیه این است که کارزار فرهنگی از کارزار نظامی اگر مهم‌تر نباشد و اگر خطرناک‌تر نباشد، کم‌تر نیست؛ این را بدانید؛ یعنی می‌دانید هم شما، واقعاً یک میدان کارزار است اینجا. به خصوص در قرارگاه‌های نظامی این جوری است؛ قرارگاه مسئولیت اجرای مستقیم به معنای اینکه یک واحدی متعلق او باشد، ندارد؛ اما واحدها در اختیار او قرار می‌گیرند، به تعبیر نظامی در کنترل عملیاتی او قرار می‌گیرند. وقتی ما یک قرارگاه نظامی تشکیل می‌دهیم، فرض بفرمایید سپاه می‌گوید این یگان‌های من در کنترل عملیاتی آن تشکیلات [هستند]، پشتیبانی این یگان، متعلق به آن سازمان است - یا ارتش، یا سپاه، یا هر دستگاه دیگر - اما به‌کارگیری این و هدایت این، به عهده‌ی قرارگاه است؛ یعنی یک چنین حالتی را در اینجا بایستی توجه داشت.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۲/۹/۱۹



• مهم تر و خطرناک تر

کارزار فرهنگی از کارزار نظامی اگر مهم تر نباشد و اگر خطرناک تر نباشد، کمتر نیست.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۲/۰۹/۱۹



جہانِ اقصیٰ



• همه احاد مردم وظیفه دارند

نقطه‌ای که دشمن به آن چشم دوخته، این است که ایران اسلامی نتواند به‌طور شایسته، سازندگی کشور را انجام بدهد. این هم مایه‌ی امید دشمنان است. آن‌ها مایلند که دولت جمهوری اسلامی نتواند در داخل کشور سازندگی را پیش ببرد، وضع زندگی مردم را سر و سامان بدهد، تولید داخلی را افزایش بدهد، اتکای به خارج از کشور را کم کند و مردمان پابره‌نه و مستضعف و فقیر را به سروسامان زندگی لازم اسلامی برساند. آن‌ها می‌خواهند دولت اسلامی، توفیق این وظایف بزرگ را به دست نیاورد و نتواند این کارها را انجام بدهد. به این آرزو، چشم دوخته‌اند. همه‌ی احاد مردم وظیفه دارند، تا حدی که می‌توانند و برای آن‌ها وظیفه معین می‌شود، در کار سازندگی کشور شرکت کنند.

سخنرانی در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) ۱۳۶۹/۳/۱۴



• ما می‌توانیم خودمان کار کنیم

در دوران تسلط استعمار، در عمق جان مردم این فکر را به وجود آوردند که ایرانی باید علم و تجربه را، و حتی تولید و مصرف را از دیگران بیاموزد. ... آن‌ها باید انجام بدهند و ما باید پادویی آن‌ها را بکنیم!

ما خودمان می‌توانیم قاعده‌ی سازندگی و تولید و مصرف را بنیانگذاری کنیم. بعد از انقلاب، انقلاب و معلم انقلاب - که امام بزرگوار ما بود - به ما ملت تفهیم کردند که ما می‌توانیم خودمان کار کنیم؛ خودمان تلاش کنیم؛ خودمان بسازیم؛ خودمان قاعده‌ی سازندگی و تولید و مصرف را - که همان فرهنگ ماست - بنیان‌گذاری کنیم. هر جا که می‌توانیم در داخل کشور تولید کنیم، بایستی این را بر استفاده‌ی از مصنوعات خارجی ترجیح بدهیم. هر چیزی که در داخل کشور تولید می‌شود، برای ما مبارک‌تر از مشابه خارجی آن است؛ حتی اندکی بهتر از آن که از دست دیگری و دروازه‌یی از دروازه‌های کشور وارد بشود ... بار سازندگی کشور بر دوش همه است.

بیانات در دیدار با وزیر و جمعی از مسئولان و کارشناسان وزارت نفت و مهندسان و کارگران اطفای حریق

چاه‌های نفت کویت ۱۳۷۰/۹/۱۲



• می‌خواهند نظام اسلامی را ناکارآمد جلوه دهند

وضع نامساعد اقتصادی می‌تواند برای کشور یک تهدید جدی محسوب شود و دشمن از این استفاده می‌کند. ما در بخش‌های گوناگون، توفیقات فراوانی به دست آورده‌ایم. در این بیست‌ودو سال، کشور ما حجم تلاش مثبت و سازنده بیش از صد سال معمولی خود را شاهد بوده است؛ لیکن دشمنان انقلاب و نظام اسلامی، برای این که افکار عمومی را اغوا کنند، همه آن نقاط مثبت را نادیده می‌گیرند و چون بیکاری و تورم و رکود تورمی و مشکلات گوناگون اقتصادی در کشور وجود دارد؛ این‌ها را به رخ می‌کشند و سعی می‌کنند با این شیطننت، نظام اسلامی را ناکارآمد جلوه دهند. این هم باید یک عامل و انگیزه مهم برای دست‌اندرکاران اقتصاد کشور - بخصوص مسئولان و مدیران دولتی - باشد.

بیانات در دیدار مسئولان وزارت‌خانه‌های صنایع و بازرگانی ۱۳۸۰/۴/۱۰



• کار و تلاش، بزرگترین مبارزه با آمریکا

امروز بزرگترین مبارزه با آمریکا، کار کردن و تلاش نمودن و مجاهدت برای اصلاح امور کشور است؛ آمریکایی‌ها این را نمی‌خواهند. مسئولان دولتی و بخش‌های مختلف باید برای ایجاد اشتغال و مبارزه با فساد و باز کردن گره‌های امور معیشت مردم و رونق دادن به اقتصاد کشور، حقیقتاً کار و تلاش کنند. هرکس در این زمینه‌ها مجاهدت و کار کند، بزرگترین مبارزه را با آمریکا کرده‌است؛ چون آمریکایی‌ها نمی‌خواهند گره‌های این کشور و این ملت باز شود؛ آن‌ها می‌خواهند این مشکلات بماند.

مسئولان دولتی باید فرصت کار را خیلی مغتنم بشمارند؛ فرصت حقیقی این است. تأمین کردن کشور در مقابل تهدید آمریکا به این است که مسئولان دولتی هرچه می‌توانند، برای مردم صادقانه کار کنند و این فرصت را مغتنم بشمارند.

بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه ۱۳۸۱/۵/۵



• نمی‌توان از عدالت چشم‌پوشی کرد

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ای که عدالت و توزیع عادلانه ثروت را در جامعه ندیده بگیرد، نمی‌تواند چشم‌انداز مورد نظر ما را تأمین کند و برنامه مطلوب ما نیست. ... توجه کنید حتماً عنصر عدالت اجتماعی و اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت رعایت شود. نمی‌گوییم همه درآمد برابر داشته باشند - این که مورد بحث نیست - اما نمی‌توانیم از عنصر عدالت که یکی از اساسی‌ترین عناصر در نظام جمهوری اسلامی است، صرف‌نظر کنیم؛ باید حتماً رعایت شود.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۵/۱۵



• تلاش، معیار و میزان به دست آوردن دستاوردها

خدای متعال نعمت‌های معنوی را هم مثل نعمت‌های مادی، آسان و ارزان نمی‌دهد و اگر بدهد، آن را آسان و ارزان برای ما حفظ نمی‌کند. همچنان که همه‌ی دستاوردهای بشر به تبع تلاش و پیگیری است، حفظ آن‌ها هم به تبع تلاش و مجاهدت و فداکاری است. اگر مشاهده می‌کنید که ملت‌هایی پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی یا سیادت سیاسی و اقتصادی پیدا کرده‌اند ثروتمند شده‌اند و عزتی پیدا کرده‌اند هرچه هست، تابع تلاش است. این یکی از اصول اسلامی است که «**مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعَاجِلَةَ تَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ**»؛ این مربوط به کسانی است که دنیا را می‌خواهند. آن کسانی که دنبال ارزش‌ها هستند و دنیای ارزشی را که همان آخرت است، و آخرت الهی را که همان ثواب الهی است، می‌خواهند، آن‌ها هم همین‌طورند؛ «**وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانُوا فِي سَعْيِهِمْ مَشْكُورًا**». بعد می‌فرماید: «**كَلَّا نُمَدِّهُوَ لَاءَ وَهُوَ لَاءٌ**»؛ ما همه را کمک می‌کنیم؛ این‌ها را و آن‌ها را. هرکس که تلاش کرد، در همان راهی که تلاش کرده است، خدا به او کمک می‌کند. تلاش، معیار و میزان برای به دست آوردن دستاوردهاست.

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۱۳۸۲/۱۱/۱۲



• حرکت جهادی لازمه پیشرفت

اگر بخواهیم پیشرفت حقیقی انجام بگیرد، باید خصوصیات انقلابی مان را حفظ کنیم، حرکت جهادی مان را حفظ کنیم، عزت و هویت ملی مان را حفظ کنیم، هضم نشویم، و در هاضمه‌ی خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم؛ اگر این‌ها را رعایت نکنیم، این درست خواهد شد.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰



• کارگر ایرانی را بیکار می‌کنید!

شما می‌روید یک جنسی را از بازار تهیه کنید - یک لباس، یا فرض بفرمایید یک وسیله خانه؛ یک ظرف - نوع داخلی‌اش هست، نوع خارجی‌اش هم هست؛ یک مقداری به خاطر تبلیغات خارجی، یک مقدار به خاطر پُر دادن به اینکه این جنس خارجی است، یک مقدار به خاطر رسوبات فرهنگی قبلی که جنس داخلی فایده‌ای ندارد و یک مقدار هم شاید به خاطر مرغوب‌تر بودن جنس خارجی - این مرغوب‌تر بودن هم ممکن است یکی از عوامل باشد، لیکن به هر حال تعیین کننده نیست - شما آن را انتخاب می‌کنید. یعنی چه کار می‌کنید: یک کارگر ایرانی را بیکار می‌کنید و یک کارگر غیر ایرانی را به کار وادار می‌کنید. خوب، مگر بیکاری امروز، مشکل عمده‌ی جامعه‌ی ما نیست. وقتی شما این طور کردید، بنده این طور کردم، آن برادر دیگر، آن خواهر دیگر، و یکی یکی از این روش پیروی کردیم، نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه ورشکستگی کارخانه‌ی داخلی، بیکاری کارگر داخلی و در نهایت باعث ناامیدی سرمایه‌گذار داخلی می‌شود. بیکاری هم که به دنبال خودش اعتیاد، فساد و اختلافات خانوادگی می‌آورد و به دنبال آن، حوادث سیاسی و اجتماعی فراوان به وجود می‌آید. بنابراین، از یک چیز کوچکی شروع می‌شود؛ از یک اراده‌ی شخصی من و شما. پس اراده‌ی شخصی افراد هم حتی در تحولات اجتماعی، می‌تواند اثر گذار باشد. و از این دست مسائل، فراوان است.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۸



• دوپایه اساسی در هر نسخه اقتصادی

ما وقتی به صورت کلان به زمینه‌ی اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دو تا پایه‌ی اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه‌ی اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هر چه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه‌ی اسلامی» است. این دو تا باید تأمین بشود و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم. بنابراین هر دو تا لازم است. شما که متفکر اقتصادی هستید و پایبند به مبانی اسلامی، طرحتان را بیاورید؛ باید این دو تا در آن طرح تأمین بشود. اگر این دو در آن طرح تأمین نشد، آن طرح اختلال دارد؛ ایراد دارد.

بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰



• تولید ثروت خوب است و گاهی حسنه

از اهل منبر و خطبا هم زیاد شنیده‌اید که امیرالمؤمنین اوقاف زیادی دارد. گفت: «لا وقف إلا فی ملک». کسی که مالک نباشد، که نمی‌تواند وقف کند. این اوقاف، املاک امیرالمؤمنین بود. امیرالمؤمنین این املاک را به ارث که نبرده بود، با کار خودش تولید کرده بود. در آن وضعیت کم آبی، امیرالمؤمنین چاه می‌زد، آب بیرون می‌آورد، مزرعه درست می‌کرد، آباد می‌کرد، بعد وقف می‌کرد. بعضی از اوقاف امیرالمؤمنین، قرن‌ها مانده. پیداست چیزهای ریشه‌دار و مهمی بوده است. به هر حال، تولید ثروت چیز خوبی است. اگر چنانچه در این تولید ثروت، قصد صرف او برای کار خیر، برای پیشرفت کشور، برای کمک به محرومان باشد، حسنه هم هست، ثواب هم دارد.

بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰



• منتظرند فرصتی پیدا شود

این را هم من می‌خواهم جداً به دوستان عرض بکنم که این کار، یعنی اجرای این سیاست‌ها، مخالفان و دشمنانی دارد. چون دشمنانی دارد، پس تلاش در اجرای این سیاست‌ها یک نوع جهاد است. هر تلاشی که در مقابله‌ی با دشمنان باشد، مجاهدت است و در عرف اسلامی اسمش جهاد است؛ اگر با اخلاص و درست انجام بگیرد. دشمنانش چه کسانی هستند؟ بعضی از مخالفان نمی‌خواهند با اجرایی شدن این سیاست‌ها، کمبودها برطرف شود. اصلاً نمی‌خواهند نظام اسلامی آن شکوفایی و پیشرفت اقتصادی و رونق اقتصادی را داشته‌باشد.

روی فشار اقتصادی بر کشور برنامه‌ریزی کرده‌اند. خارجی‌ها از این قبیل‌اند. الان ببینید، همین‌طور مثل یک گرگ گرسنه‌ای که نشسته و منتظر است که فرصتی پیدا کند و حمله کند، منتظرند بتوانند یک اقدام اقتصادی بکنند. البته از اقدام نظامی و اجتماعی مأیوس‌اند؛ خودشان هم می‌گویند که باید فشار اقتصادی بیاوریم.

می‌خواهند فشارهای اقتصادی را زیاد کنند. یکی از چیزهایی که می‌تواند این فشارها را کم کند، یا تأثیرش را بسیار کم کند، همین اجرای این سیاست‌هاست. آنها مایل نیستند این سیاست‌ها اجرا شود. ممکن است در داخل هم دوستان و طرفدارانی داشته باشند. بعضی - که این دیگر مربوط به داخلی‌هاست - در وضع کنونی منافی دارند؛ ذی‌نفع‌اند و دلشان نمی‌خواهد این وضعیت به هم بخورد.

بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰



• پولی که می شود صرف تولید شود

وسایل تجملات، وسائل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ اینها چیزهایی است که ما برای آنها پول صرف می کنیم. پولی که می تواند در تولید مصرف شود، سرمایه گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف می کنیم به این چیزهای ناشی شده از هوس، چشم و هم چشمی، آبروداری های خیالی.

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (علیه السلام) ۱۳۸۸/۱/۱



• عقلای عالم این کار را نمی‌کنند

مسافرت می‌روند، می‌آیند، میهمانی درست می‌کنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه‌ای که رفته‌اند، بیشتر است! - عروسی می‌گیرند، عزا می‌گیرند؛ هزینه‌ای که برای این میهمانی‌ها مصرف می‌کنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محروم‌اند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمی‌گوئیم پول را بردارید بروید حتماً انفاق کنید - البته اگر انسان انفاق بکند، بهترین کار است - اما حتی اگر انفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات می‌شود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانجات سهیم شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است. ما به جای این کارها میهمانی درست می‌کنیم، عزا درست می‌کنیم، هی رخت و بر روزبه‌روز دگرگون برای خودمان درست می‌کنیم؛ چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را نمی‌کنند؛ ...

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (علیه السلام) ۱۳۸۸/۱/۱



• این مناسب جامعه اسلامی نیست

در روایت دارد که کسی میوه‌ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام (علیه السلام) به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه‌ی خرما استفاده کنید. تا این حد! خرده‌های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتل‌ها میهمانی درست کنند و به یک عده‌ای میهمانی بدهند؛ بعد هرچه که غذا ماند، به بهانه‌ی اینکه بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب یک جامعه‌ی اسلامی است؟ اینجوری می‌شود به عدالت رسید؟

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (علیه السلام) ۱۳۸۸/۱/۱



• کیفیت بخشی به تولیدات داخل

همت مضاعف و کار بیشتر در کیفیت بخشیدن به تولیدات داخلی؛ یکی از کارهای اساسی این است. ما امروز تولیدات داخلی زیادی داریم؛ هم در زمینه صنعت، هم در زمینه کشاورزی؛ باید به کیفیت این‌ها اهمیت بدهیم، کیفیت این‌ها را بالا ببریم. باید جوری باشد که مصرف‌کننده احساس کند آنچه که در کشورش تولید می‌شود، به دست کارگر ایرانی تولید می‌شود، از لحاظ کیفیت، یا بهتر از نوع خارجی است یا لااقل همسطح آن است.

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (علیه السلام) ۱۳۸۸/۱/۱



• همت در سرمایه گذاری و کارآفرینی

همت مضاعف و کار مضاعف در سرمایه گذاری، در کارآفرینی، بسیاری از کسانی که سرمایه دارند، پول دارند، درآمدهای کلانی دارند، نمی دانند این درآمدها را چگونه باید صرف کنند. اینجا هم باز همان اصلاح الگوی مصرف، خود را نشان می دهد. پول را به جای سرمایه گذاری تولیدی، صرف تجملات می کنند؛ سفرهای خارجی بیهوده، بی ثمر، پرخرج و احياناً فسادآور، بهانه برای تغییر وسائل خانه، وسائل زندگی؛ این چیزها یک حرکت مسرفانه است نسبت به ثروت. می شود پول را، درآمد را سرمایه گذاری کرد. امروز وسائل این کار فراهم است. با فعال شدن بورس هایی که در کشور هست، می توان سرمایه گذاری کرد. همه می توانند آنچه را که دارند، در سرمایه گذاری ها دخالت بدهند.

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (علیه السلام) ۱۳۸۸/۱/۱



• کارآفرینی یک عبادت است

اگر کسی بتواند زمینه‌ی کار را فراهم بکند، یک عبادت انجام داده است. نگاه به این کاری که تولید می‌شود، فقط از جنبه‌ی این نباشد که ما یک بیکار را دستش را به یک کاری بند می‌کنیم تا یک درآمدی داشته باشد؛ خب، این که البته خیلی چیز خوبی است، لازم است، بلاشک. یعنی کارآفرینی، ایجاد اشتغال در کشور موجب می‌شود که ثروت تولید بشود؛ همچنانی که سرمایه و سرمایه‌دار، ایجاد کار می‌کند - چه سرمایه‌ی مالی، چه سرمایه‌ی علمی - کارگر هم ایجاد سرمایه می‌کند، ایجاد ثروت می‌کند. این یک جنبه‌ی مهمی است.

بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۶/۱۶



• استخراج گنجینه های درونی

یک بعد دیگر اهمیت اشتغال این است که شما یک گنج را دارید استخراج می کنید. یک انسانی که در او استعدادهایی وجود دارد، می تواند تولید کند، می تواند بیافریند، این افتاده بود آنجا، شما دست او را به کار بند کردید، این گنجینه ی درونی استخراج شد؛ خیلی اهمیت دارد. انسانی که کار ندارد، اشتغال ندارد، یک استعداد پنهان مخفی خداداده را غالباً بدون اختیار خودش راکد گذاشته، وقتی شما این انسان را مشغول کار می کنید، این چشمه که در درون بود و از او استفاده ی نمی شد، تشنه ای از او سیراب نمی شد، این چشمه را شما به جریان می اندازید. پس اشتغال و اشتغال آفرینی، هم جنبه ی اقتصادی بزرگی دارد، هم جنبه ی انسانی خیلی والائی دارد.

بیانات در دیدار جمعی از کار آفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۶/۱۶



• حرکت جهادگونه در عرصه اقتصاد

از جمله‌ی اساسی‌ترین کارهای دشمنان ملت ما و کشور ما در مقابله‌ی با کشور ما، مسائل اقتصادی است. البته در عرصه‌ی فرهنگی هم فعال‌اند، در عرصه‌ی سیاسی هم فعال‌اند، در عرصه‌ی انحصارات علمی هم فعال‌اند، اما در عرصه‌ی اقتصادی فعالیت بسیار زیادی دارند. همین تحریم‌هایی که دشمنان ملت ایران زمینه‌سازی کردند یا آن را بر علیه ملت ایران اعمال کردند، به قصد این بود که یک ضربه‌ای بر پیشرفت کشور ما وارد کنند و آن را از این حرکت شتابنده باز بدارند. ...

لذا من این سال را «سال جهاد اقتصادی» نامگذاری می‌کنم و از مسئولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخش‌های دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی می‌شوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار دارم که در عرصه‌ی اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۰ «سال جهاد اقتصادی» ۱۳۹۰/۱/۱



• قدرت نظام در حل مشکلات اقتصادی

به نظر صاحب‌نظران، امروز در این برهه‌ی از زمان، مسئله‌ی اقتصادی از همه‌ی مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گام‌های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه‌ی حل مشکلات اقتصادی به همه‌ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه‌ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می‌تواند پیشرفت کند.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۰ «سال جهاد اقتصادی» ۱/۱/۱۳۹۰



• الزامات تحقق جهاد اقتصادی

اگر ما بخواهیم این حرکت عظیم اقتصادی در کشور انجام بگیرد، یک الزاماتی هم دارد. این الزامات را هم من فهرستوار عرض بکنم.

اولاً روحیه‌ی جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه‌ی جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم. اگر ما در بخش‌های گوناگون، روحیه‌ی جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.

دوم، استحکام معنویت و روح ایمان و تدین در جامعه است. عزیزان من! این را همه بدانند؛ تدین جامعه، تدین جوانان ما، در امور دنیائی هم به ملت و به جامعه کمک می‌کند. خیال نکنند که متدین شدن جوانان، اثرش فقط در روزهای اعتکاف در مساجد یا در شب‌های جمعه در دعای کمیل است. اگر یک ملت جوانانش متدین باشند، از هرزگی دور خواهند شد؛ از اعتیاد دور خواهند شد؛ از چیزهائی که جوان را زمین‌گیر می‌کند، دور خواهند شد؛ استعداد آن‌ها به کار می‌افتد، کار می‌کنند، تلاش می‌کنند؛ ...

یک شرط دیگر این است که کشور به مسائل حاشیه‌ای مبتلا نشود. ... یکی از نقشه‌های بزرگ دشمنان ملت ایران، ایجاد تفرقه و شکاف در داخل بوده‌است؛ به بهانه‌ی قومیت، به بهانه‌ی مذهب، به بهانه‌ی گرایش‌های سیاسی، به بهانه‌ی جناح‌بندی‌ها، به بهانه‌های گوناگون. اتحاد را باید حفظ کرد.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۰ / «سال جهاد اقتصادی» - ۱۳۹۰/۱/۱



• مبارزه اقتصادی

جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک بارِ معنائی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. ... انسان یک تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه‌ی این‌ها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. اگر بخواهیم در ادبیاتِ امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، می‌شود «مبارزه». جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه‌ی اقتصادی.

بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه ۱۳۹۰/۱/۸



• تکیه بر استعداد خودی

در این منطقه‌ی معادن غنی گاز، خب ما شریکی داریم؛ حالا من نمی‌خواهم تعبیر کنم به رقیب. شما وقتی نگاه می‌کنید، می‌بینید همه‌ی کسانی که از پیشرفت ملت ایران ناراضی‌اند، آنجا در مواجهه‌ی با ملت ایران جمع شده‌اند، متراکم شده‌اند؛ آن طرف را کمک کنند و هرچه می‌توانند، در کار این طرف کارشکنی کنند. این، معنای جهاد و مبارزه را نشان می‌دهد؛ اینکه انسان در مقابل خود، دشمنی دشمن و خصم را احساس کند. هر یک قدمی که شما در این کار و امثال این کار پیش بروید، دشمن را عصبانی می‌کند، ناراحت می‌کند؛ هرچه هم بتوانند، کارشکنی می‌کنند. هرچه شما برای این پیشرفت احتیاج داشته باشید، آن‌ها سعی می‌کنند بر روی آن متمرکز شوند و دسترسی شما به آن را مشکل کنند، دشوار کنند. علاج چیست؟ علاج، برگشتن و تکیه کردن به خود؛ استمداد از توانایی‌های خود؛ این چشمه‌ی جوشان تمام نشدنی اراده‌ی انسانی و استعدادی که بحمدالله در ایران عزیز ما، در مردم ما، در نسل جوان ما وجود دارد.

بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه ۱۳۹۰/۱/۸



• در این جهاد همه شریک‌اند

یک جمله خطاب به همه‌ی ملت ایران است، و آن اینکه در این جهاد اقتصادی همه شریک‌اند. در اداره‌ی اقتصاد یک ملت، مصرف هم یک رکن عمده است؛ مصرف درست، مصرف خوب، مصرف دور از اسراف و تبذیر و اتلاف مال؛ همین چیزی که همیشه توصیه می‌شود. ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله. شما حتی سر یک کلاس، یک معلم هم که باشید، می‌توانید در این جهاد اقتصادی سهیم باشید؛ این فرهنگ را به این جوان، به این نیروی انسانی فردا تعلیم می‌دهید؛ این می‌شود جهاد اقتصادی. در هر بخشی که باشید، می‌توانید در این جهاد سهیم باشید.

بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه ۱۳۹۰/۱/۸



• هر دو در کنار هم!

در سال جهاد اقتصادی، به نظر من یکی از قلم‌های مجاهدت اقتصادی مردم این است که بروند سراغ کالای ساخت داخل؛ آن را بخواهند. البته این طرف قضیه هم این است که کالای ساخت داخل بایستی قانع‌کننده باشد؛ بایستی دوامش، استحکامش، مرغوبیتش جوری باشد که مشتری را قانع کند؛ این هر دو در کنار هم، یک کار لازم و واجبی است.

البته مسائلی که باید مسئولین کشور ان‌شاءالله با همت دنبال کنند، مسائل متعددی در زمینه‌ی سال جهاد اقتصادی است. مسئله‌ی اشتغال بسیار مهم است؛ کارآفرینی بسیار مهم است؛ مسئله‌ی پرداختن به زیرساخت‌های اقتصادی در سراسر کشور، که خب، افراد صاحب‌فکری، صاحب‌نظری نشسته‌اند این‌ها را بررسی کردند، مشخص کردند، دنبال کردن اینها بسیار مهم است. همچنین مسئله‌ی صنعت، مسئله‌ی کشاورزی، مسائل گوناگونی که در این زمینه‌ها هست، مسائل مهمی است. همه‌ی اینها کارهای اساسی است و پرداختن به هر کدام از این‌ها جهاد فی‌سبیل‌الله است.

بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۰/۲/۲



• مجاهدت، لازمه جهش

جهاد اقتصادی متوجه یک نکته‌ی اساسی است در مسئله‌ی اداره‌ی کشور و مدیریت کشور؛ و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه‌ی با اسلام و جمهوری اسلامی، بر روی مسئله‌ی اقتصاد متمرکز شده است. نه اینکه عرصه‌های دیگر را فراموش کردند؛ نه، در زمینه‌ی فرهنگ و در زمینه‌ی امنیت و در زمینه‌ی سیاست و در همه‌ی زمینه‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی آنچه از دستشان برمی‌آید، می‌کنند - حالا شکست می‌خورند، مطلب دیگری است؛ اما آن‌ها تلاش خودشان را می‌کنند - لیکن تمرکز عمده‌ی آن‌ها بر روی مسائل اقتصادی است. برای اینکه مردم را از دولت جدا کنند، از نظام جدا کنند، فاصله و شکاف ایجاد کنند، دنبال این هستند که در مسئله‌ی اقتصادی کشور مشکل ایجاد کنند.

پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منتها جهادگونه، با همه‌ی توان، با همه‌ی وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت اینکه داریم چه کار می‌کنیم. سال جهاد اقتصادی معنایش این است. بخش‌های اقتصادی کشور در همه‌ی قسمت‌های دولتی و غیر دولتی اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدت باشند، یک جهش به‌وجود خواهد آمد و همه‌ی مردم در این موفقیت سهیم‌اند.

بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۰/۲/۷



• باید مجهز شد

سیاست استکباری، زمین زدن ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از راه اقتصاد است. تحریم‌ها گرچه بهانه‌اش مسئله‌ی انرژی هسته‌ای است، اما دروغ می‌گویند؛ عامل طرح مسئله‌ی تحریم‌ها، انرژی هسته‌ای نیست. شاید یادتان هست، تحریم‌های عمده‌ای که سرآغاز تحریم‌های این کشور بود، آن وقتی بود که اصلاً نامی از مسئله‌ی هسته‌ای در این کشور نبود؛ که حالا آن رقم معروفش که البته خیلی تحریم مهمی نبود، اما چون معروف است به تحریم «داماتو» - که کسی به این نام در کنگره‌ی آمریکا مطرح کرد و دنبالش را گرفتند - مال وقتی است که اصلاً مسئله‌ی انرژی هسته‌ای مطرح نبود. هدف تحریم‌ها، فلج کردن اقتصادی است ... می‌توانیم به شکل‌های مختلف با تحریم‌ها مقابله کنیم: یا با دور زدن تحریم‌ها - که شگرد خوب و جالب و ظریفی است و خوب است که دولت و ملت این شگرد را به کار ببرند - یا از جهت رو آوردن به ظرفیت‌های درونی‌ای که کار بنیادی و زیربنائی است و حتماً باید انجام بگیرد و تا حالا هم انجام گرفته. پس هدف دشمن، زمین‌زدن جمهوری اسلامی است؛ ... بنابراین بایستی در مقابلش مجهز بود. جبهه‌ی مقابل را باید شناخت، ابزار و سلاح او را باید شناخت و ضد آن سلاح را باید آماده کرد؛ این جهاد اقتصادی می‌خواهد.

بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۵/۲۶



• رتبه‌ی اول

نکته‌ی دیگر این است که ما در سند چشم‌انداز - که یک سند اساسی بالادستی مهم و مرجع است - برای کشورمان رتبه‌ی اول را در بخش‌های مهم و حیاتی و اساسی پیش‌بینی کردیم؛ باید به این رتبه برسیم. خب، دیگران طبعاً نمی‌ایستند تا ما برویم اول بشویم؛ دیگران هم دارند کار می‌کنند، تلاش می‌کنند. ما شاهد تلاش و تحرک شدید اقتصادی برخی از کشورهایی هستیم که در همین حوزه‌ی اول شدن ما واقع هستند. البته ما از بعضی از ابزارهایی که آن‌ها استفاده می‌کنند، استفاده نمی‌کنیم و نخواهیم کرد؛ ما نظیف‌تر و شریف‌تر و نجیبانه‌تر حرکت می‌کنیم؛ اما معتقدیم می‌شود به آن مرحله‌ی اول رسید، اگر سرعت را بیشتر و منضبط‌تر بکنیم. لذا این احتیاج دارد به جهاد. هم باید شتاب باشد، هم باید تدبیر باشد تا بتوانیم به این رتبه‌ی اول برسیم. این رتبه‌ی اول بودن هم فقط یک هوس نیست که بگوئیم اول بشویم؛ نه، این به خاطر این است که سرنوشت ملت‌ها امروز به این وابسته است.

اگر یک کشوری نتواند از لحاظ اقتصادی، از لحاظ علمی، از لحاظ زیرساخت‌های پیشرفت، خودش را تأمین کند و رشد پیدا کند، بیرحمانه مورد تجاوز قرار خواهد گرفت. ما نمی‌خواهیم مورد تجاوز قرار بگیریم. دویست سال کشور ما مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته. ضعف دستگاه‌های سلطنتی بی‌عرضه‌ی نالایق فاسد دنیاطلب، و ناشاطبی که در طرف مقابل وجود داشت، باعث این تجاوز شد.

بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۵/۲۶



• می‌خواهند نظام را به زانو در بیاورند

یکی دیگر از چالش‌های بزرگ، همین چالش فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها بود. امروز سخن از تحریم می‌گویند؛ تحریم برای ما چیز تازه‌ای نیست. از سال اول پیروزی انقلاب، تحریم‌های یک جانبه از طرف آمریکا و کشورهای اروپایی شروع شد و در طول جنگ، این تحریم‌ها و محدودیت‌ها به اوج خود رسید. من یک وقتی گفته‌ام؛ ما می‌خواستیم از خارج از کشور سیم خاردار تهیه کنیم. کشوری که این سیم خاردار باید از آنجا عبور می‌کرد - شوروی سابق - اجازه نمی‌داد که این کالا از داخل خاک او عبور کند، بیاید ایران! حالا کالا نه کالای نظامی است، نه سلاح تهاجمی است؛ سیم خاردار است! اینقدر محدودیت علیه کشور ما به وجود آوردند. در همه‌ی زمینه‌های اقتصادی به دنبال ایجاد تحریم بودند؛ غرض‌شان هم این بود که ملت ایران را به زانو در بیاورند، نظام را به زانو در بیاورند؛ اما نظام جمهوری اسلامی به کمک صبر و بصیرت شما مردم، همه‌ی آن سیاست‌ها و سیاست‌گذاران را به زانو درآورد.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۲/۲



• ارز و عرض

من با سوغاتی خریدن مخالف نیستم، اما با این بازارگردی‌ها چرا؛ خیلی بد است. یک عده‌ای عطش بازارگردی دارند؛ این‌ها ملت شما را، مردم شما را سبک می‌کند؛ حیف است. می‌روند یک جنس‌هایی را می‌خرند، غالباً هم جنس‌های بی‌کیفیت از کشورهای دوردست سودجو که با همان کمپانی‌های داخل آن کشور میزبان بند و بست دارند. برای حجاج جنس بدلی و بی‌کیفیت درست می‌کنند می‌آورند توی این بازارها می‌ریزند، شما هم می‌روید این ارز خودتان را و عرض خودتان را می‌ریزید برای اینکه این کالاهای بی‌کیفیت را خریداری کنید. امروز در کشور ما خوشبختانه کالاهای داخلی با کیفیت خوب، متنوع، زیبا، ساخته‌شده‌ی دست کارگر ایرانی - برادر خودتان - فراوان است.... بعضی‌ها قبل از اینکه سفر مکه بروند، سوغاتی‌های سفر را در اینجا می‌خرند - کار خوبی است - نگه می‌دارند؛ بعد که برگشتند، همان‌هایی را که در بازار شهر خودشان تهیه کرده‌اند، به عنوان سوغاتی می‌دهند. هدیه‌ی سفر است دیگر، خوب است. این کار، خیلی کار خوبی است. بعضی‌ها به عنوان چیز متبرک، از آنجا سوغاتی می‌آورند؛ تبرکی ندارد. این جانمازهایی که در سَنَدِج و کردستانِ خودمان می‌بافند، به مراتب از جانمازهایی که از آنجا می‌آورند، بهتر است. برادر خودتان را تقویت کنید، ساخت دست او را که هم زیباتر است، هم بهتر است، بخريد و این را به عنوان سوغاتی بدهید. این را آن‌جا ببرید و به افرادی که دوست دارید، سوغاتی بدهید. همه‌ی اجناس خودمان همین‌طور است؛ حالا من جانماز را مثال زدم که مقدس‌ترین است. این‌ها را رعایت کنید.

بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۰/۷/۱۱



• اين به ضرر آينده‌ي ماست

شعار امسال را قرار داديم «توليد ملي»؛ دنباله‌اش توضيح داده شده: «حمایت از کار و سرمايه‌ي ایرانی». يعني شما وقتي كالاي داخلي را مصرف مي‌کنيد، به کارگر ایرانی داريد کمک مي‌کنيد، اشتغال ايجاد مي‌کنيد، به سرمايه‌ي ایرانی هم داريد کمک مي‌کنيد، رشد و نمو ايجاد مي‌کنيد. اين فرهنگ غلطی است - که متأسفانه در بخش‌هایی از ما حاکم است - که مصنوعات خارجي را مصرف کنیم؛ اين به ضرر دنياي ماست، به ضرر پيشرفت ماست، به ضرر آينده‌ي ماست. همه مسئوليت دارند؛ دولت هم مسئوليت دارد، بايد از توليد ملي حمايت کند، توليد ملي را تقويت کند.

پيام نوروزي ۱۳۹۱/۱/۱



• تفاخر غلط

[در حمایت از تولید ملی] عمده، مردم‌اند. شما باید کالای ایرانی بخواهید. این افتخار نیست؛ این تفاخر غلطی است که ما مارک‌های خارجی را در پوشاک‌مان، در وسائل منزل‌مان، در مبلمان‌مان، در امور روزمره‌مان، در خوراکی‌هایمان ترجیح بدهیم به مارک‌های داخلی؛ در حالی که تولید داخلی در خیلی از موارد بسیار بهتر است. من شنیدم پوشاک داخلی را که در بعضی از شهرستان‌ها تولید می‌شود، می‌برند مارک خارجی می‌زنند، برمی‌گردانند! اگر همین‌جا بفروشند، ممکن است خریدار ایرانی رغبت نکند؛ اما چون مارک فرانسوی دارد، خریدار ایرانی همان لباس را، همان کت و شلوار را، همان دوخت را انتخاب می‌کند؛ این غلط است... تولید داخلی مهم است. ببینید کارگر ایرانی چه تولید کرده‌است، سرمایه‌دار ایرانی چه سرمایه‌گذاری کرده است. در زمینه‌ی مصرف، عمده‌ی کار دست مردم است؛ که این بخشی از اصلاح الگوی مصرف است که من دو سال قبل اینجا به ملت ایران عرض کردم، و بخشی از جهاد اقتصادی است که سال گذشته عرض کردم. تولید ملی مهم است؛ این را باید هدف قرار بدهند.

پیام نوروزی ۱۳۹۱/۱/۱



• حلقه‌های یک منظومه‌ی کامل

ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه‌ی کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، می‌توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی‌ها نشان می‌داد که این‌ها می‌خواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آن‌ها نقطه‌ی مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دل زده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان می‌توانست مشاهده کند.

من سال ۸۶ در صحن مطهر علی‌بن موسی‌الرضا علیه الصلوة و السلام در سخنرانی اول سال گفتم که این‌ها دارند مسئله‌ی اقتصاد را پیگیری می‌کنند؛ بعد هم آدم می‌تواند فرض کند که این شعارهای سال حلقه‌هایی بود برای ایجاد یک منظومه‌ی کامل در زمینه‌ی مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله‌ی جلوگیری از اسراف، مسئله‌ی همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله‌ی جهاد اقتصادی، و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. ما این‌ها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهایی است که می‌تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه‌ی اقتصاد ساماندهی کند؛ می‌تواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳



• وابستگی خودمان را کم کنیم

مسئله‌ی اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاش‌های بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند - مثل قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند. کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صدساله‌ی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله‌ی کارهایی است که می‌تواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیت‌های گوناگونی در کشور وجود دارد که می‌تواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگذاریم؛ برویم به سمت این که هر چه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳



• جهاد مقدس

ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخوردار از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد...

لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم‌جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر مهم خواستارم.

ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» ۱۳۹۲/۱۱/۳۰



• اقتصاد مقاومتی سیاستی غیر مقطعی

سؤال این است که آیا مطرح کردن اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی می‌خواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است، همچنان که مثلاً هیئت‌های فکر و عمل برای مقابله‌ی با جنگ اقتصادی تشکیل می‌شود، این سیاست‌ها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به‌هیچ‌وجه این جوری نیست؛ این سیاست‌ها سیاست‌های بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاست‌های بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر این‌ها گذاشته می‌شود؛ تدبیر مقطعی نیست، این یک تدبیر بلندمدت است، یک سیاست راهبردی است. طبعاً کشوری مثل کشور ما ... نیاز دارد به اینکه اقتصاد آن با همان خصوصیات باشد که در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد ملاحظه قرار گرفته. عرض کردیم این سیاست‌ها سیاست‌های متحجری نیست، بسته نیست که اگر چنانچه یک فکر جدید، یک طرح جدید، راه نویی در دنیا به‌وجود آمد، نتواند آن را در خودش هضم کند، به‌هیچ‌وجه این جور نیست؛ قابل انعطاف است، می‌تواند تکمیل بشود، می‌تواند توسعه پیدا کند، لکن خط مستقیم آن تغییر پیدا نخواهد کرد.

بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰



• مجاهدانه و با پشتوانه مردم

هم عرصه‌ی اقتصاد، هم عرصه‌ی فرهنگ. بدون حضور مردم کار پیش نخواهد رفت و مقصود تحقق پیدا نخواهد کرد. مردم در گروه‌های گوناگون مردمی با اراده و عزم راسخ ملی می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. مسئولین هم برای اینکه بتوانند کار را به‌درستی پیش ببرند، احتیاج به پشتیبانی مردم دارند. آنها هم بایستی با توکل به خدای متعال و با استمداد از توفیقات و تأییدات الهی و کمک مردمی، مجاهدانه وارد میدان عمل بشوند؛ هم در زمینه‌ی اقتصاد و هم در زمینه‌ی فرهنگ.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۳ - ۱۳۹۲/۱۲/۲۹



• هر که به اقتصاد کمک کند...

امروز عرصه‌ی اقتصاد، به‌خاطر سیاست‌های خصمانه‌ی آمریکا، یک عرصه‌ی کارزار است، یک عرصه‌ی جنگ است، جنگی از نوع خاص. در این عرصه‌ی کارزار، هر کسی بتواند به نفع کشور تلاش کند، جهاد کرده‌است. امروز هر کسی بتواند به اقتصاد کشور کمک بکند، یک حرکت جهادی انجام داده‌است. این جهاد است؛ البته جهادی است که ابزار خودش را دارد، شیوه‌های مخصوص خود را دارد، باید این جهاد را همه با تدبیر مخصوص خود و سلاح مخصوص خود انجام بدهند.

بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۰۱/۰۱



جہل علم



• علم آموزی یک جهاد است

برادران و خواهران نهضت سوادآموزی بدانند که در حال جهادند. به شهرها و روستاهای دورافتاده رفتن و در خانه‌ها را زدن و در مساجد کلاس تشکیل دادن و بدون چشم‌داشتِ احسنت و تشکری، علم و سواد را - که ارزنده‌ترین هدیه‌هاست - به مردم دادن، یک جهاد است. بی‌سوادی، برای همه‌ی جوامع انسانی یک لکه‌ی ننگ است؛ اما برای یک جامعه‌ی مسلمان انقلابی، در این دوران و عصر پُرزحمت که قدرت‌های بزرگ از بی‌سوادی و ناآگاهی مردم استفاده می‌کنند، بیشتر مایه‌ی ننگ است. ...

آن وقتی که در دنیا خبری از علم و سواد و درس و مشق و نشانه‌های تعلیم و تعلم وجود نداشت، اسلام و قرآن ما با «**اقرأ**» شروع کرد و به قلم و نوشته سوگند خورد و اسیر جنگی را در مقابل یاد دادن چند کلمه آزاد کرد. این، متعلق به چهارده قرن پیش است. همان کارهای اسلام و نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ما موجب شد که جامعه‌ی امّی عرب (اقی، یعنی بی‌سواد؛ «**هوآندی بعث فی الامتین**») در زمانی که اروپای امروز هیچ خبری از علم و دانش نداشتند، دارنده‌ی بزرگترین دانشگاه‌ها و بزرگترین دانشمندان و فارابی‌ها و ابن‌سیناها و محمدبن زکریاها و ابوریحان‌ها و دیگران و دیگران شود. یعنی در صدر اسلام، مبارزه‌ی با بی‌سوادی و تحریص و تحریض به علم و دانش، جامعه‌ی اسلامی را حدود هفت، هشت قرن از همه‌ی دنیای متمدن آن روز جلوتر برد. البته بعد ما رجعت کردیم، مسلمانان تنبلی کردند و کار ما به این جا رسید ولی حالا می‌توانیم دوباره شروع کنیم. دوباره انقلاب شد، دوباره اسلام سر کار آمد و حالا دیگر بی‌سوادی معنی ندارد.

سخنرانی در دیدار با مسئولان دفاتر نهضت سوادآموزی، رئیس و جمعی از مسئولان ادارات ربانی ۱۳۶۹/۷/۴



• جهاد علمی در مقابل تفکرات انحرافی

باید مطالبی از مسائل اسلامی آماده گردد و به شکل مناسبی تحریر و تقریر بشود و در همه جای کشور گفته بشود؛ آن‌چنان که در همه‌ی دل‌ها و ذهن‌ها جای بگیرد. باید مطالبی از مسائل اسلامی انتخاب بشود که پاسخ به شبهه‌های تقدیری و فرضی‌ای باشد که می‌دانیم امروز با وسایل مختلف، در بین خواص مردم پراکنده می‌شود.

افکار فلاسفه و نویسندگان و متفکران مادی غرب، امروز در سطح دانشگاه‌های ما، به صورت کتاب و ترجمه وجود دارد. نمی‌شود سدی درست کرد که این‌ها وارد نشوند؛ این امکان ندارد و مصلحت نیست. افکار باید بیایند و حضور داشته باشند. در مقابل آن افکار، باید پادزهر ایجاد کرد. روحانیت این کشور، جوانان را در مقابل تفکرات پُر جاذبه‌ی مارکسیسم واکسینه کرد و به آنان پادزهر زد.

مارکسیست‌ها در این مملکت، مگر کم کار می‌کردند، کم جزوه منتشر می‌کردند، کم بحث می‌کردند؟ همین متفکران اسلام و روحانیون بودند که توانستند در مقابل آن همه حرف پُر جاذبه و شیرین و عوام‌فریب - که از آن عوام‌فریب‌تر، انسان کمتر حرفی را سراغ دارد - جوانان ما را حفظ کنند. در بین جوانان ما کسانی بودند که با مارکسیست‌ها مبارزه‌ی علمی می‌کردند. حالا دیگر هر فکری باشد، جاذبه‌اش بیشتر از آن‌ها که نیست.

بیانات در دیدار ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۷۰/۶/۲۵



• جهاد و مبارزه طولانی

وظیفه‌ی معلّم و فرهنگی و دانش‌آموز که این‌ها در مرکز دایره قرار دارند و همچنین همه‌ی کسانی که با امور فرهنگی کشور سر و کار دارند، یک جهاد و مبارزه‌ی طولانی است.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۲/۰۲/۱۵



• مجاهدت علمی در کنار مجاهدت عملی

اگر می‌خواهید کشور ایران آباد شود، رفاه و رونق اقتصادی، پیشرفت همه‌جانبه، عزت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، دانش و پیشرفت تحقیقات از یک طرف، و معنویت از یک طرف این کشور را روشن و نورانی کند، دو چیز را باید در نظر بگیرید. این دو چیز، وظیفه‌ی همه‌ی قشرها، مخصوصاً قشرهای آگاه است. کاسب، کشاورز، صنعتگر، کارگر، محصل، استاد، معمم، فرهنگی و روحانیون محترم، این دو چیز را باید با هم در نظر بگیرند.

یکی این‌که در سازندگی کشور، همه باید با هم شرکت کنند. دوم این‌که در سازندگیِ نَفْسِ خود کوشش کنند. «وَتُوبَ إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ فلاح و رستگاری به این است که همه‌ی ما راه توجّه به خدا، تضرّع و توسّل به پروردگار را به عنوان یک راه روشن داشته باشیم. هیچ کدام به تنهایی کافی نیست.

مبادا کسی خیال کند که مملکت بدون فعالیت و تلاش سازندگی - فقط با ذکر خدا گفتن - آباد خواهد شد؛ ابداً. باید تلاش کرد، باید مجاهدت کرد؛ هم مجاهدت علمی، هم مجاهدت عملی.

بیانات در دیدار مردم ساری ۱۳۷۴/۰۷/۲۲



• جهاد فکری

یکی از جهادها هم «جهاد فکری» است. چون دشمن ممکن است ما را غافل کند، فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباه مان گرداند؛ هرکس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوءفهمی شود، از آنجا که در مقابله با دشمن است، تلاشش «جهاد» نامیده می‌شود. آن هم جهادی که شاید امروز، مهم محسوب می‌شود. پس، کشور ما امروز کانون جهاد است و از این جهت هیچ نگرانی‌ای هم نداریم. ... از این جهت، بنده که بیشتر سنگینی بارم این است که نگاه کنم ببینم کجا شعله‌ی جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارم؛ ببینم کجا اشتباه کاری می‌شود، جلوش را بگیرم - مسئولیت اصلی حقیر، همین‌هاست - از وجود جهاد در وضع کنونی کشور، نگران نیستم. این را شما بدانید!

بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ علی الله علیه و آله ۱۳۷۵/۳/۲۵



• رسالت اول دانشگاهیان

انقلاب اسلامی، جهت‌گیری دانشگاه را یک سره دگرگون کرد و خودباوری، و ابتکار، و استقلال، و پایبندی به ارزش‌های اسلامی، و جهاد علمی، و آزادی از اسارت و تبعیت، را جهت اصلی آن قرار داد.

امروز رسالت اول دانشگاهیان، حفظ این جهت‌گیری و تلاش برای شکوفا شدن استعداد علمی و فکری نسل جوانِ بالنده‌ی کشور است. نظام اسلامی نشان داده‌است که ملت ایران، دارای ظرفیت عظیمی برای پیشرفت در همه‌ی عرصه‌های زندگی است. گام بلند انقلاب، در این راه طولانی، قطع وابستگی و تبعیت است. محیط علمی باید در عین آن‌که بالاترین بهره‌ی ممکن را از دانش پیشرفته‌ی جهان می‌برد، متکی به خود و مبتکر و خلاق و کاوشگر باشد. نظام سلطه‌ی جهانی همیشه کوشیده‌است که به وسیله‌ی عوامل تبلیغی خود، احساس حقارت و ناتوانی و نیاز را در ملت‌هایی که از قافله‌ی علم و فناوری عقب مانده‌اند، تقویت کند و آنان را همیشه نیازمند خود نگاه دارد. تأکید مکرر امام راحل بر اسلامی‌شدن دانشگاه، برای این بود که نسل جوانِ تحصیل کرده‌ی کشور از این احساس ناتوانی و نیاز نجات یابد و به نجات کشور از تبعات وابستگیِ دوران گذشته همت گمارد.

پیام به گردهمایی ویژه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی رحمه الله ۱۳۷۸/۳/۱۲



• دست‌های طرار و مغزهای مکار

ساده‌انگاری است اگر امید و طمع دشمن بر رجعت دانشگاه به آن گذشته‌ی آفت‌زا، نادیده گرفته شود. امروز آماج بسیاری از تبلیغات خصمانه‌ی دشمنان، در درجه‌ی اول، دانشجویان و دانشگاهیان‌اند. امروز در حالیکه نسل جوان روشنفکر در بسیاری از کشورهای اسلامی، مجذوب امام و انقلاب و اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله است، طراحان تبلیغاتی نظام سلطه‌ی جهانی، در صدد آن هستند که نسل جوان و نوخاسته‌ی کشور انقلاب را با آرمان‌های انقلاب، بیگانه و از ریشه‌ی خود جداکنند. دست‌های طرار و مغزهای مکار و دلارهای بی‌شمار در تلاشی بیهوده، نسل جوان انقلاب را هدف گرفته‌اند. آنان از بیداری جوانان و قدرت تحلیلی که در پرتو انقلاب به آنان داده شده، غافل‌اند.

با این حال جوانان دانشور، طلبه و دانشجو، و اساتید متعهد، دانشگاهی و روحانی، باید مسئولیت سنگین روشنگری و جهاد فکری و علمی را بیش از پیش بر دوش خود احساس کنند و در میدان علم و دین و آرمان‌گرایی به مسابقه‌ای الهی که پاداش آن بهشت دنیوی و اخروی است، بپردازند.

پیام به گردهمایی ویژه دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی رحم‌الله ۱۳۷۸/۳/۱۲



• اسلام بزرگترین مشوّق علم

ایران عزیز برای رسیدن به هدف‌های بزرگی که به برکت انقلاب اسلامی در برابر او ترسیم شد، چشم به تلاش جوانان در عرصه‌ی علم و معرفت دوخته است، و بدون آن، فروغ خودباوری و استقلال ملی که در طول دو دهه از انقلاب همواره راهگشای ملت و دولت ما در گذرگاه‌های دشوار بوده است، به ضعف خواهد گرائید.

اسلام عزیز بزرگترین مشوّق علم است و چنین بود که در طیّ قرن‌های پی‌درپی، مسلمانان پرچم دانش و معرفت و پیشرفت علمی را در همه‌ی جهان در دست داشتند و امروز که پس از دوران تلخ تسلّط سیاست‌های بیگانه بر کشورمان، بار دیگر ملت ایران آزادی از نفوذ استکبار جهانی را می‌آزماید، جهاد علمی یکی از بزرگترین فرائض ما است.

پیام به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها ۱۳۷۸/۰۷/۰۶



• اگر مجاهدت علمی نباشد

امروز در کشورمان به پیشرفت علم نیاز داریم. امروز اگر برای علم سرمایه گذاری و مجاهدت و تلاش نکنیم، فردای ما، فردای تاریکی خواهد بود.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲



• همچون گلوله‌ای به سمت دشمن

عزیزان من! هرچه می‌توانید، خودتان را با علم و عمل بسازید. دوران جوانی شما مثل دوران جوانی نسل قبل از شما، دوران تعیین‌کننده‌ی سرنوشت تاریخی این ملت است. نسل قبل از شما اگر تنبلی می‌کرد، اگر در خانه می‌نشست و اگر لابلایگری را پیشه‌ی خود می‌ساخت، ملت ما غرق در فساد و ابستگی و ذلتِ فرودستی نسبت به امریکا باقی می‌ماند. آن نسل ایستاد، انقلاب را پیروز کرد، جنگ را پیروز کرد و از هویت ملی و شخصیت ملی دفاع جانانه‌ای نمود. امروز هم نوبت نسل جدید است. دشمن از جوانان ما می‌ترسد و می‌داند که اگر نسل جوان گسترده‌ی با ایمان ما با همین ایمان در صحنه بایستد، هیچ سلاحی، هیچ بمبی و هیچ موشکی نمی‌تواند این ملت را به زانو درآورد. هر گامی که شما برای ارتقای علمی و عملی و اخلاقی خودتان بردارید، مثل گلوله‌ای است که به سمت دشمن شلیک می‌کنید. این جنگ و این رزم، جهاد بزرگی است... نسل جوان ما از لحاظ علمی باید پیشرفت کند؛ همچنان که تا امروز پیشرفت کرده است. جنجال‌هایی هم که به خیال خودشان در دنیا علیه جمهوری اسلامی برای سلاح کشتار جمعی و غیره بلند می‌کنند، از همان بهانه‌هاست؛ این هم از همان پوشش‌های فریب‌انگیز است. مسأله این نیست؛ مسأله این است که دستیابی نسل جوان کارآمد این کشور به فناوری‌های سطح بالا، آن‌ها را می‌آزارد و رنج می‌دهد. آن‌ها می‌خواهند ملت‌ها وابسته بمانند، ملت‌ها پایین بمانند، ملت‌ها دستشان به سمت آن‌ها دراز باشد، ملت‌ها همیشه ضعیف و ذلیل باشند تا آن‌ها بتوانند هر کاری می‌خواهند، سر ملت‌ها درآورند. کار مقابل آن‌ها این است که ملت‌ها خود را از لحاظ علمی و ایمانی قوی کنند.

بیانات در دیدار جمعی از جوانان اهواز ۱۳۸۲/۰۵/۰۸



• علم جهادی، جهاد علمی

در مورد جهاد دانشگاهی من اعتقادم این است که این ترکیب - جهاد و دانشگاه، و تلفیق جهاد که یک امر ارزشی معنوی است با علم و دانش و با دانشگاه - دارای پیام است؛ نشان می‌دهد که می‌توان علم جهادی و نیز جهاد علمی داشت؛ این همان کاری است که شماها مشغولید. علم شما علم جهادی است؛ با جهاد و با اجتهاد همراه است؛ درپوزه‌گری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست؛ دنبال علم می‌روید تا آن را به دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته‌ای از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است. از طرفی شما مشغول جهاد هستید. جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس. ... شما مبارزه‌ی علمی می‌کنید؛ زیرا این کار شما به‌طور واضح دشمنان بسیار سرسختی دارد که نمی‌خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام بگیرد. لذا به نظر من جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمت‌گیری و حرکت است. هر چه بتوانیم ما این فرهنگ را در جامعه گسترش دهیم و آن را پایدار و استوار کنیم، کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش برده‌ایم.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۴/۱



• العلم سلطان

مجاهد فی سبیل الله تولید کننده است؛ باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم. ما باید یک کشور عالم بشویم. در یک روایتی از امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمود: «**العلم سلطان، من وجده صال ومن لم یجد صیل علیه**»؛ یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، می تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که عالم باشد، می تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند. ما باید علم را با همه ی معنای کامل آن به عنوان یک جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوان ها، استادان و دانشگاه ها می گویم. علاوه بر این، علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنید به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه ی کشور. صنعتی که مایه ی توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست؛ علمی که به فناوری تولید نشود، فایده ای ندارد و نافع نیست. وظیفه ی دانشگاه ها سنگین است؛ وظیفه ی آموزش و پرورش سنگین است؛ وظیفه ی مراکز تحقیقاتی و مراکز پژوهشی سنگین است.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۵/۱/۱



• کدام تلاش علمی، جهادی است

مجموعه، مجموعه‌ی علمی است؛ اما در چه جهتی باشد تا جهاد باشد؟ این مهم است. نگاه کنید ببینید برای کشور شما، برای انقلاب شما، برای اهدافی که این انقلاب ترسیم کرده، کدام دشمن عنود در کمین نشسته و شما باید با آن دشمن عنود مبارزه کنید؟ کارتان در آن صراط که شد، می‌شود جهاد ...

بنابراین اگر دنبال علمی بگردید که این علم، دشمنان آن اهداف را نه فقط ناراضی نمی‌کند، خرسند هم می‌کند، این جهاد نیست ... در حرکت جهادی، در علم جهادی، در تحقیق جهادی، این عنصر حتماً شرط است.

دشمن هم مقصود آمریکا نیست. حالا ما در مقام صحبت، دشمن واضح‌مان آمریکا و استکبار جهانی است. نه، دشمن‌ها انواع و اقسامی دارند.

بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان ۱۳۸۶/۴/۲۵



• واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب نبندیم

پیشرفت علمی، اگرچه که با فراگیری علم از کشورها و مراکز پیشرفته‌تر علمی حاصل خواهد شد اما فراگیری علم یک مسئله است، تولید علم یک مسئله‌ی دیگر است. نباید ما در مسئله‌ی علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد بشود، یک پیشرفت‌هایی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله‌روی، نداشتن ابتکار، زیر دست بودن معنوی، لازمه‌ی قطعی این چنین پیشروی‌ای است و این جایز نیست.

بنابراین، ما باید علم را خودمان تولید کنیم و آن را بجوشانیم. هر پله‌ای از پله‌ها که انسان در مدارج علم بالا برود، او را آماده می‌کند برای برداشتن گام بعدی و رفتن به یک پله‌ی بالاتر. این حرکت را بایستی ما از خودمان، در درون خودمان، با استفاده‌ی از منابع فکری و ذخائر میراث فرهنگی خودمان ادامه بدهیم و داشته باشیم... این پیشرفت علمی بایستی با خودباوری اولاً؛ امید به موفقیت ثانیاً؛ حرکت جهادگونه ثالثاً؛ همراه باشد. چون ما فرض را بر این گذاشتیم که پیشرفت علمی، بایستی با نگاه بومی و با تکیه‌ی به فرهنگ خودمان باشد - فرهنگ ما یعنی اسلام و موارث ملی پسندیده‌ی ما - و نیز ناظر به نیازهای کشور. این، بایستی مجموعه‌ی حرکت علمی ما را تشکیل بدهد. ممکن است بعضی خدشه کنند که آقا مگر می‌شود؟ ما باید این باور را پیدا کنیم که می‌توانیم.

... در این حرکت، تنبلی و تن‌آسایی و محول کردن کار به یکدیگر جایز نیست؛ حرکت جهادگونه باید کرد. جهاد فقط در میدان جنگ نیست، در میدان علم هم مثل بقیه‌ی میادین زندگی، جهاد لازم است.

بیانات در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۷/۰۷/۰۳



• یکی از انواع جهاد با نفس

جهاد با نفس کجاست؟ فقط به این است که توی میدان جنگ برویم و جانمان را کف دست بگیریم؛ نه، یکی از انواع جهاد با نفس هم این است که شما شب تا صبح را روی یک پروژه‌ی تحقیقاتی صرف کنید و گذر ساعات را نفهمید. جهاد با نفس این است که از تفریح‌تان بزنید، از آسایش جسمانی‌تان بزنید، از فلان کار پرپول و پردرآمد - به قول فرنگی‌ها پول‌ساز - بزنید و تو این محیط علمی و تحقیقی و پژوهشی صرف وقت کنید تا یک حقیقت زنده‌ی علمی را به دست بیاورید و مثل دسته‌ی گل به جامعه‌تان تقدیم کنید؛ جهاد با نفس این است.

بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۴/۲



• باید این معارضه‌ها را در هم بشکنیم

مجاهدت با نفس، مجاهدت در مقابل شیطان، جهاد در میدان نظامی، مواجهه‌ی با یک دشمن است؛ مواجهه‌ی با یک معارض است. امروز ما در زمینه‌ی علم نیاز داریم که این‌جور تلاشی در کشور بکنیم؛ احساس موانعی وجود دارد، باید این موانع را برداریم؛ دارد معارضه‌هایی می‌شود، باید این معارضه‌ها را در هم بشکنیم؛ در زمینه‌ی عرضه‌ی امکانات علمی، خست‌هایی از سوی کسانی که صاحبان آن هستند - که کشورهای پیشرفته‌ی علمی است - وجود دارد، باید در مقابل این خست‌ها از خودمان عزت و جوشندگی و فوران از درون نشان بدهیم.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱۴



• امروز کشور نیازمند یک جهاد علمی است

دانشگاه، موتور پیشرفت کشور است؛ در این هیچ تردیدی نیست. اگر یک ملتی عزت می‌خواهد، اگر استقلال می‌خواهد، اگر اقتدار می‌خواهد، اگر ثروت می‌خواهد، باید دانشگاه خود را تقویت کند ... همه این را درک کرده‌اند که باید به دانشگاه اهمیت بدهند. امروز کشور نیازمند یک جهاد علمی است. البته اینجا که عرض می‌کنم علم، منظورم معنای عام علم است؛ نه فقط علوم تجربی. ما یک جهاد علمی لازم داریم. ...

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱۴



• علوم انسانی کنونی، بومی نیست

بنده در باب مسائل علوم انسانی خیلی حرف دارم.... واقعاً این عیب است که ما بیست سال، بیست و پنج سال سرفصل فلان دانش را اصلاً تغییر نداده باشیم؛ این نشان دهنده‌ی عدم جرأت ورود در مناقشه است؛ این همین چیزی است که ما از آن بیمناک‌ایم. جرأت ندارند که مناقشه کنند؛ همان را که هست، درس دادند، باز هم درس می‌دهند؛ ده سال دیگر هم ممکن است همان را درس بدهند... علوم انسانی اهمیت دارد، علوم انسانی کنونی در کشور بومی نیست، متعلق به ما نیست، ناظر به نیازهای ما نیست، متکی به فلسفه‌ی ما نیست، متکی به معارف ما نیست، اصلاً ناظر به مسائل دیگری است، مسائل ما را حل نمی‌کند. دیگریانی طرح مسئله کردند، برای خودشان حل کردند - به درست و غلطش هم کار نداریم - اصلاً از ما بیگانه است.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۴/۶/۱۳۸۹



• تولید فکر از تولید علم دشوارتر است

پایه‌ی علم هم بر فلسفه است؛ فلسفه نباشد، علم وجود ندارد. اگر استنتاج فلسفی نباشد، اصلاً علم می‌شود بی‌معنا. تولید فکر خیلی مهم است. البته تولید فکر از تولید علم دشوارتر است. متفکرین و نخبگان فکری در معرض آسیب‌هایی هستند که نخبگان علمی کمتر در معرض آن آسیب‌ها قرار می‌گیرند. بنابراین کار، کار دشواری است؛ اما بسیار مهم است.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱۴



• هدف گذاری پویا و قابل اجرا

اولاً نقشه‌ی جامع علمی احتیاج دارد به یک برنامه‌ی اجرایی. فقط این نباشد که ما علم را تولید کنیم، بعد منتشرش نکنیم، بگذاریم کنار، از آن استفاده نکنیم؛ باید از این استفاده کنیم. ثانیاً نقشه‌ی جامع علمی بایستی زنده و پویا و به روز باشد. ما نمی‌خواهیم یک چیزی برای سالیان متمادی درست کنیم؛ این مال امروز است. ای بسا تا سه سال دیگر، پنج سال دیگر وضعیت به گونه‌ای بشود که مجبور شویم بخشی از این نقشه را جا به جا کنیم؛ باید بکنیم. ... یک عده‌ای باید مراقب این معنا باشند.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۴/۶/۱۳۸۹



• دانش، پيش شرط مقابله

ما تأکيد می‌کنيم روی علم. اين تأکيد، جدی است؛ تعارف نیست؛ از روی یک احساس کاذب تشریفاتِ موسمی نیست؛ بلکه از یک تشخیص عمیق و محاسبه شده برمی‌خیزد. زورگویی در دنیا زیاد است. زورگویان متکی به قدرتشان هستند. آن قدرت و آن ثروت و آن امکانات، برخاسته‌ی از دانش آن‌هاست. بدون دانش نمی‌شود مقابله کرد، نمی‌شود مواجهه کرد.

بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۷/۱۴



• سرمایه‌گذاری راهبردی

اعتقاد راسخ من این است که اگر چنانچه بر روی مسئله‌ی علم و فناوری و نخبه‌پروری سرمایه‌گذاری کنیم، حتماً در یکی از با اولویت‌ترین کارها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. پیشرفت علمی و به دنبال آن، پیشرفت فناوری، به کشور و ملت این فرصت و این امکان را خواهد داد که اقتدار مادی و معنوی پیدا کند. بنابراین با یک نگاه راهبردی، علم یک چنین اهمیتی دارد.

بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۴/۷/۱۳۸۹



• راه رسیدن به اقتدار

من یک وقتی این حدیث را خوانده‌ام؛ «**العلم سلطان**»: علم عبارت است از اقتدار. علم، خودش یک اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشت، می‌تواند حرکت کند؛ هرکسی، هر ملتی، هر جامعه‌ای که نداشت، مجبور است از اقتدار دیگران پیروی کند. بنابراین، این یک محاسبه‌ی دقیق است.

بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۴/۷/۱۳۸۹



• انحراف علم، بدون تزکیه

آن علمی که ما می‌خواهیم، همراه با تزکیه است. همین آیاتی که اول این جلسه تلاوت کردند، به این نکته اشاره دارد: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ». اول، تزکیه است. تربیت دین، تربیت قرآن، تربیت اسلام این است. چرا اول تزکیه؟ برای اینکه اگر تزکیه نبود، علم منحرف می‌شود. علم یک ابزار است، یک سلاح است؛ این سلاح اگر در دست یک انسان بدطینت، بددل، خبیث و آدمکش قرار بگیرد، جز فاجعه چیز دیگری نمی‌آفریند؛ اما همین سلاح می‌تواند در دست انسان صالح، وسیله‌ی دفاع از انسان‌ها، دفاع از حقوق مردم، دفاع از خانواده باشد. این علم را بایستی آن وقتی در دست گرفت که با تزکیه همراه باشد. این توصیه‌ی من به شماست.

بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۲/۱۴



• علم، برای خدمت

علم را برای خدمت، برای معنویت، برای پیشرفت فضائل انسانی، برای دفاع حقیقی از حقوق انسان باید فرا بگیریم. ثروت ملی و اقتدار ملی باید برای این باشد که این ملت بتواند برخلاف سنت رایج جهان، پرچم عدالت را در دست بگیرد. به کسی زور نگوییم؛ به مظلوم کمک کنیم؛ با ظالم مقابل و مواجه شویم؛ جلوی ظالم را بگیریم.

بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۷/۱۴



• دانشگاه، محیط پرورش استعدادها و نخبه ها

گفتم جهاد علمی لازم است، مجاهدت لازم دارد. خوب، اگر بخواهیم این مجاهدت به طور کامل انجام بگیرد، باید یک توجه ویژه‌ای به دانشگاه‌ها بشود؛ چون دانشگاه، محیط زیست و محیط پرورش استعدادها و نخبه‌هاست. ... در دانشگاه‌ها نگاه نخبه‌شناس و نخبه‌پرور حتماً بایستی در مجموعه‌ی کارهای دانشجویی وجود داشته باشد.

بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۴/۷/۱۳۸۹



• لزوم چرخه ی علمی کامل

آنچه در کشور لازم است و می تواند موقع و جایگاه علمی کشور را به طور شایسته و افتخار انگیز به ما نشان دهد که بالا رفته، وجود یک چرخه ی علمی کامل است.... یک مجموعه ی کامل علمی در کشور بایستی به وجود بیاید؛ این هنوز نشده. این جزیره ها بایستی به طور کامل به هم متصل شوند، یک مجموعه ی واحد تشکیل شود؛ به هم کمک کنند، همدیگر را پیش ببرند، هم افزایی کنند، راه را برای جستجو و یافتن منطقه های تازه ی علمی در این آفرینش وسیع الهی باز کنند؛ سؤال مطرح کنند، به آن سؤال ها پاسخ داده شود؛ اینها همه اش لازم است.

بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۷/۱۴



• یک جریان عامِ تمامی ناپذیر علمی

ما سرمایه‌گذاری‌های مقطعی زیادی داشتیم، پیشرفت‌های مقطعی هم زیاد داشتیم که قائم به اشخاص بوده، قائم به گروه‌های خاص بوده؛ این بایستی در همه‌ی بخش‌ها، در همه‌ی رشته‌ها توسعه پیدا کند؛ یک جریان عامِ تمامی ناپذیر در زمینه‌ی علم و در همه‌ی رشته‌های علوم به وجود بیاید؛ از علوم انسانی تا علوم تجربی و انواع علوم بایستی ما این پدیده را ببینیم و مشاهده کنیم.

بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۴/۷/۱۳۸۹



• تجاری سازی علم

دانش، منشأ تولید ثروت است؛ البته به شکل صحیح، به شکل نجیبانه، نه آنچنان که دنیای غرب از دانش برای تحصیل ثروت استفاده کرد؛ البته تجاری کردن اگر در ذهنیت دستگاه‌های مسئول باشد، بایستی از آغاز - یعنی از وقتی که ما پروژه‌ی علمی و پروژه‌ی صنعتی را تعریف می‌کنیم - به فکر تجاری کردنش باشیم؛ نگذاریم بعد از آنکه کار تمام شد، به فکر بیفتیم که بازاریابی کنیم. از اول باید این مسئله در محاسبات بیاید...

بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۷/۱۴



• گره‌گشایی بزرگ

امروز یکی از نیازهای اساسی و درجه‌ی یک کشور، نیاز علمی است. اگر چنانچه ما توانستیم در عرصه‌ی علمی، پیشرفت‌هایی را که تا امروز بحمدالله به دست آمده‌است، با همین سرعت دنبال کنیم، هم در زمینه‌ی مشکلات اقتصادی، هم در زمینه‌ی مشکلات سیاسی، هم در زمینه‌ی مشکلات اجتماعی، هم در زمینه‌ی مسائل بین‌المللی، مطمئناً گره‌گشایی‌های بزرگی خواهد شد. علم مسئله‌ی بسیار مهمی است. در این حدود ده سال، یازده سال گذشته، در این زمینه خیلی کار شده؛ لیکن بعد از این هم باید کار شود؛ کار مضاعف شود. من عقیده‌ام این است که کار علمی در دانشگاه و در کشور باید جهادی باشد؛ کار علمی جهادی انجام بگیرد.

بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۲/۵/۶



• نگذارید این حرکت از دُور بیفتد

اگر وضعیت دانشگاهی امروز کشور را با دوران اول انقلاب - یعنی آن‌چه که میراث قبل از انقلاب و دوران طاغوت بود - مقایسه کنیم، آمارها شگفت‌آورتر از این‌ها هم هست. آن روزی که انقلاب پیروز شد، صد و هفتاد هزار دانشجو داشتیم؛ امروز چهار میلیون و چهار صد هزار دانشجو در کشور هست؛ یعنی حدود بیست و پنج برابر. آن روز بار تعلیم بر دوش حدود پنج هزار استاد و استادیار و دانشیار و معلم و امثال این‌ها بود، امروز در حدود شصت هزار معلم دانشگاهی داریم؛ چه در دانشگاه‌ها، چه در مراکز پژوهشی. این‌ها مسائل مهمی است، این‌ها پیشرفت‌های ارزنده‌ای است...

یک سؤال در اینجا مطرح است: آیا حالا که ما این پیشرفت‌های علمی را در زمینه‌های مختلف در کشور مشاهده می‌کنیم، یک نفس راحتی بکشیم، بنشینیم سر جایمان؟ خب، پیدا است که پاسخ منفی است؛ نه. ما هنوز از خط مقدم علم عقبیم، هنوز در بسیاری از دانش‌های مورد نیاز زندگی دچار عقب‌ماندگی‌های مزمن هستیم؛ با همه‌ی این پیشرفتی که در بخشی از دانش‌ها داشته‌ایم. پس چون دچار عقب‌ماندگی هستیم، باید کار کنیم. وانگهی کاروان علم در دنیا متوقف که نمی‌شود؛ دارند با سرعت حرکت می‌کنند. ما نه فقط باید جایگاه فعلی‌مان را حفظ کنیم، بلکه باید جلو برویم؛ این‌ها همه‌اش تلاش لازم دارد، مجاهدت لازم دارد. لذا اولین حرف ما به دانشگاه‌های کشور و دانشمندان کشور و نخبگان کشور این است که نگذارید این حرکت از دُور بیفتد، نگذارید حرکت علمی کشور متوقف شود؛ هیچ مانعی نتواند دانشگاه کشور را از رشد به سمت پیشرفت علمی باز بدارد.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۲/۰۵/۱۵



• خیلی راه مانده

ما هنوز خیلی راه در پیش داریم تا به آن نقطه‌ای برسیم که از لحاظ علمی مورد نظر است؛ خیلی باید تلاش کرد؛ خیلی باید مجاهدت کرد.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۰۴/۱۱



با تقدیر و تشکر از کسانی که در تدوین، طراحی و آماده سازی این کتاب همکاری نمودند،
خانم‌ها زینب یزدانی، فاطمه عباسی، معصومه اخوان، محبوبه جوادی پور،
آقایان صادق مفرد، یاسر حسین بیک، رضا غلامزاده، علی ایمانی، محمد جاسم هاشم خانلو



هسته توانمندسازی حرکت‌های جهادی

معاونت جهاد سازندگی سازمان بسیج دانشجویی

آدرس: تهران/ خیابان طالقانی/ تقاطع مفتح/ سازمان بسیج دانشجویی

WWW.JAHADGARAN.ORG

info@jahadgaran.org

۰۲۱-۸۷۵۵۱۲۳۴

سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۲۱۸۷۵۵۱۲۹۷

